

# سرانجام محتوم حزب توده

کتر اریکسال پوتس، در یکی از جلسات "پرسش و پاسخ" آقای نورالدین کیانوری شعری اریک شاعر توده ای را تقدیم به رفقایش میکند که ترجمیح بند آن این است: "توده ای هم و همراه امام، ماندگام که زمان است به کام".

امروزه با دستگیریهای وسیع سران و فعالین حزب توده، شروع دوم این بیت به یک طنز تاریخی تبدیل شده است.

## در صفحات دیگر:

■ نامه‌ای از رفیق عبدالله مهدی و سخگوی کمنه برگزار کننده کنگره مؤسس حزب کمونیست

صفحه ۱۰

■ کنگروی درباره مبارزه کارگران

صفحه ۱۱

عقله قانون کار اسلامی

صفحه ۲۰

■ آبراز وجود به نسوه راه کارگر!

صفحه ۲۱

■ مارکسسم انقلابی

صفحه ۲۸

حزب و نجبران را می‌نساند

صفحه ۳۱

■ پاسخ به نامه‌ها

کارگر  
کمونیست



ارگان اتحاد مبارزان کمونیست

۵۰ ریال

خرداد ۱۳۶۶

## هشدار به کارگران:

برای دوره جدیدی از مبارزه  
بر سر قانون کار آورده شویم!

همچنانکه در اخبار شنیدیم، یکس دویز بعد از اعلام انحلال حزب توده آقای سرکلی پیش‌نویس ارفاقی کار اسلامی راه جدید از بد حاشه‌ای می‌برد و از این راه حقوق بخواد. بنابراین برای طرح مجدد قانون کار اسلامی، هم‌راهِ ما سرکوب حزب توده یک اتحاد نیست. همانطور که میدانیم جناح‌های رقیب حجت در صفحه ۲

بمبنی کمنه مرکزی اتحاد مبارزان کمونیست

درباره جنایت اخیر جمهوری اسلامی

در مهاباد  
صفحه آخر

بیانیه در مورد پیوستن

سازمان کمونیستی پیکار

به اتحاد مبارزان کمونیست

صفحه ۱۶

## پیش‌نویسوی ایجاب حزب کمونیست ایران!

عبد ارضعه ۱ سرانجام ۰۰۰

در اینکه حزب توده در تمام طول دوران پس از برآمدن "همراه امام" بوده است و تردید نیست. این همراهان محور سیاست مصلح حزب توده بوده است و اثر جمهوری اسلامی پس از اریهه خوشخندش حزب توده و همراهان و هم رانان این حزب را با خود متکثر میسازد و آن را خائن به حکومت اسلامی میخواند. در واقعیت خود را در بنیادی و شعیه باری و سرانجامی بنیادین میگذارد.

حزب توده و اپوزیسیون مودب و بوزوا - رفرمیست انقلابی حضرت در دوره جمهوری اسلامی به مشاور و یاور رژیم و یک حزب نامد سیاسی، فعال و تمام عیار شناخته یافت. این حزب در کارخانه هادوشی - ووش اجنهای جاسوس اسلامی و در محلات کاسه به شانه چغاق دندان حرب اللہسی و در کردستان انقلابی دست در دست پیاده پاداران و ارتش اسلامی و در بیدادگاه و زندانها و شکنجه گاه ها در کنار حکام شرع و شکنجه گران مکیسی و عدالیه بر علیه طبقه کارگر، انقلاب و دموکراسی به نظر خائن دست زده است. در تمام این چهار سال در هر عرصه ای که انقلاب سر بلند کرده است - از تهاجم آگاهان سیاسی\* بلکه کودکان دبستانی - در برابر محوس حرب توده را در کارزار تنامی - بر روی جبهه های مدافع نظام کهنه تضحیح داده اند. او این نکته ای که عملکرد حزب توده در چهار سال گذشته به ذهن متبادر میکند اینست که: در کارگری های خستگرا ناپدید حرب روس توده را در مدت جمهوری اسلامی فرس و آمریکاش چگونه و در هیچ داد آتیا شوروی اشتباه کرده و نسبت به این حکومت و امکان جلب آن به اردوگاه و بیچار توهم بوده است؟ آیا حزب توده و یاور

وایع دفتر بنیادگی و دلال اردوگاه امیرالیستی شوروی و سیاستها و دستورات قانونی را بدرستی تعبیه و با بھوس به آنها عمل نکرده است؟ پاسخ به این سئوالات منفی است.

و انعیب اینست که انقلاب ایران برای مدت معینی بیروهای سیاسی بیرونی را علیه مکتب اختلاصات و رقابت هایشان و انگیزه به یک وحدت سیاسی موقت نسبی داد. آنها که پای مرکز و زندگی سرمایه مهندس و پاری بر افتادند حاکمیت سرمایه در جهان باشند کلبه اختلاصات در اردوگاه سرمایه داران تحت اشاعه این خطر مزار میگرد و بقول مارکس تناس احزاب و طایعات در حزب واحد نظم و آرامش قانون متحد نبود و علیه طبقه کارگر علیه حزب "هرج و مرج" علیه سوسیالیسم و کمونیسم جبهه میگرد تا جامعه سرمایه داری را در دست دستار آن بجات دهند.

پسند و جهت عمل در اردوگاه متخاص امیرالیستی (آمریکا و شوروی) و سرمایهات وابسته به آنها در چهار سال گذشته نیز در همین وانعیب نهفته است. انقلاب ایران به اعتبار نقش برجسته و تعیین کننده طبقه کارگر در آن و به اعتبار خصوصیات شد سرمایه داری و ضد امیرالیستی اش، نه مبارزه ای علیه این یا آن جناح سرمایه، بلکه نهایتاً مبارزه ای علیه نفس حاکمیت و استثمار سرمایه امیرالیستی بوده است. مبارزه ای که در تمام و تعمیم خود میتواند و میتواند چنان موقعیت و ریمت هاش را فراهم کند که طبقه کارگر در آن نیرو و توان کاملی برای حرکت فاضح بسوی سوسیالیسم و حکومت کارگری را بدست آورد. بیروزی چنین انقلابی نه تنها ضربه ای بر دیگر امیرالیسم آمریکا و اردوی امیرالیستی غرب، بلکه همچون به تمام و بلا واسطه ضربه ای بر بیکرارد و - گاه امیرالیستی شوروی و اشاکندانه ماهیت حقیقی



آن است . حتی اندیشه به تحقق پیوسته چنین  
 انقلاب در ایران کافی بود ، تا تمام دشمن طبقه  
 کارگر و تمام معادل و جریانات وابسته به امپریالیسم  
 آمریکا و شوروی را در مقابل با آن بسیج و هماهنگ  
 و متحد کند . همانطور که بیش از ۱۰ سال قبل وقوع  
 انقلاب کارگری در روسیه و تحت رهبری حزب کمونیست  
 ( بلشویک ) تمام اردوگاه های متخاصم امپریالیست  
 زمان خود را در مقابل خود متحد کرد .

به این ترتیب حزب توده در وحدت با جمهوری  
 اسلامی و در همراهی با امام ابدان تنها نبود . تمام  
 نیروهای سیاسی بورژوازی و خرد بورژوازی در مردای  
 میام بر علیه خواست ندامت انقلاب یعنی خواست  
 بولشویزای انقلاب و بطور غیر رسمی متحد شدند و  
 این اتحاد خود را با تأیید فعال رژیم در مردای  
 جمهوری اسلامی بنمایش گذاشتند . رحمکشان  
 ایران هنوز آن دوران را فراموش نکرده اند .

در مردای قیام بازگشایار غار امام  
 و بنی صدر سوگی او بسود . بدر طالقانی  
 فائزند معنوسو مجاهدین خلق  
 امسردگی و نزلت خوشر را با مشاهده سیمای حکم  
 والهام بخش امام ، فائز سیاست و عملی مجاهدین  
 خلق ، از خود می زدود . قلب راده حاینده تلم  
 الاختیار امام خمینی در امور جزخواستی و ارعصاب  
 . جمعی و بصری و تهور حیاطانی بود و در اساسا لار  
 مدس پاروی نظامی حضرت امام را تشکیل میداد .  
 نریه معین فرقه صدر حاج سید جواد صباغیان  
 امیر انظام و دکتر یزدی و کاروان لیبرالهای تازه  
 به دوران رسیده ، بوروکرات های فرهنگ رفته ای  
 بودند که می بایست نقصان بشاعرانری حضرت

امام و جوانیون بی کفایت او را جبران کند . سنجایی ها  
 و موهبها و طبقه خود میدانستند که مهترانیستند  
 صدق را بر اساس جنایات جمهوری اسلامی بگویند  
 و حزب بوده و مدانیان خلقی و رنجبران و نظایر اینها  
 نیز طبقه بزرگ کردن ضد امپریالیست حکومت اسلامی  
 را بر عهده گرفتند . تمام این نیروهای گوناگون  
 بورژوازی ، که طیما هر یک سودای خاص خویش را  
 در سر داشتند ، عملا در کلام مشهور بدر طالقانی  
 یعنی درهم شکستند . جوجه کمونیست های سوسی  
 ساله ، به وحدت کلمه طلایش خویش دست یافتند  
 بودند و هر یک به فراخور ماهیت طبقاتی و قابلیت  
 سیاسی - عملی خویش به جدادی و صیقل دادن  
 ابزارهای ابزارهای دولتی بورژوازی علیه طبقه کارگر  
 و ندامت انقلاب محت گذاشتند .

اما هنگامیکه خطرات موری قیام بهمین از ساحت  
 مقدس سرمایه بر طرف شده و جریان افاده و احیای  
 اوضاع جمهوری پیش از انقلاب آمار گشت . ایس  
 وحدت کلمه طلایش درهم شکست و جریان تعقیبه  
 سیاسی و یقانه آب در درون نیروهای سیاسی  
 بورژوازی شدت گرفت . اکنون نوبت آن رسیده که  
 آنان که حاکمیت سرمایه و بورژوازی را از جنگسال  
 انقلاب رها نده ، بودند خود یک یک در پای محراب  
 سرمایه قریب شوند و با ایثار جان راه سازمان  
 یابی حکومت مطلوب بورژوازی ، یعنی راه اعتماد  
 اوضاع قبل از انقلاب را هموار سازند . نه تنها  
 درخت اسلام که درخت سرمایه هم در اینجا برای  
 بار آوری امتیاح به شهادت و ایثار ار جانسپ  
 مدافعان داشت .

استدلال طلبان معجز نظیر مدنی و تیمساران

## مرگ بر سرمایه ، مرگ بر امپریالیسم



سنگرهای که طبقه کارگر و دمکراسی انقلابی نسخیر کرده اند بازس گرفته ننوده، بلکه حتی آن نیروهای سیاسی خود طبقه بورژوازه که در شرایط پیش از انقلاب جانی در صحنه سیاسی ایران نداشتند، يك به يك مرخص شوند. از اینروست که بورژوازی خود مردگان سیاسی حوش را که با بحران انقلابی جامعه ارگور برخاسته بودند، مجدداً و با تشرفات کامل يك به يك به گور می سپارد.

جریمان احمیای اوضاع قبل از انقلاب و تصفیه های بی دردی در درون هیئت حاکمه ایران و نیروهای سیاسی مدافع جمهوری اسلامی را بر بنیادی دومولفه اصلی میتوان بررسی کرد. اول، تحکیم مونیست سرمایه انحصاری و بورژوازی بزرگ و نیروهای سیاسی آن در درون هیئت حاکمه. ما در مخالفت در جناح ... توضیح دادیم که چگونه بنا بر عوامل بیسی اقتصادی، بورژوازی ایران تنها میتواند تحت رهبری نیروهای سیاسی سرمایه انحصاری به شرایط اقتصادی و سیاسی مطلوب خویش، شرایطی که حکومت شاه نایبند، و پاسدار آن بوده، دست یابد. تصفیه مشروطه طلبان، لیبرالهای جنبه ملی و بی صدیون و غیره همه حلقه هائی در تکامل اردوگاه ضد انقلاب در این جهت معین، یعنی در جهت مساعد شدن اوضاع برای حاکمیت مطلق سرمایه انحصاری بوده اند. اما در مورد تصفیه حرب توده باید به مولفه دوم، یعنی رقابت های امپریالیستی توجه کرد. واقعیت اینست که ایران قبل از انقلاب، نه تنها تحت سلطه بلاساز سرمایه انحصاری قرار داشت، بلکه مشخصاً يك ایران آمریکائی بود. ما در برنامه حزب کمونیست به روشنی توضیح دادیم که ایران، بمثابه يك کشور سرمایه داری تحت سلطه امپریالیسم، در تقسیم گیتی جهان در میسکان اردوگاههای جهانی امپریالیستی، مشخصاً پس

شان بد برده، اعلیحضرت و سپس سلطنت طلبان حرجول ظمیر سر به مقدم برآه ای و ساله ورود گسان جنبه ملی که تازه به ضایعات فقدان سلطنت پی برده بودند، تصفیه شدند و به هزمت امانت رسید. آنگاه نوبت به کاروان طول لیبرالها رسید که اولاً با همیان شدن حصلت ضد مردمی جمهوری اسلامی نقش توهم پراکنش خویش را بیش از پیش از دست داده بودند و ثانیاً با مخالفت خوانی ها و غرولند های لیبرالی و عدم درک نیاز سرمایه به انکاء به حدیث و ولایت نفی و دستجات دست راستی صلح در امر حرکت انقلاب، ملاً جمهورک اسلامی را در ایفای نقش سنگین خویش با شکلاتی مواجه میساختند بدینده ای نام "حدا امام" نقش تصفیه و ترکیب حکومت از زانده های دست و پا گیر را بر عهده گرفت.

این تصفیه های مداوم در نیروهای سیاسی طبقه حاکم، گویای يك سیر تکاملی در اردوگاه ضد انقلاب بود. سیری که در هر مرحله آن ضد انقلاب عقب نشینی شخصی را به طبقه کارگر و دمکراسی انقلابی تحمیل می نمود. ما در سلسله مقالات "در جناح در ضد انقلاب بورژوا - امپریالیستی" در نشریه هموی سوسیالیسم به مولفه های مختلف این سیر تکاملی به تفصیل پرداخته ایم و در اینجا به یادآوری این نکته اکتفا می کنیم که هدف سبائی و غاش این سیر تکاملی آماده همه حایبه اوضاع پیش از انقلاب یعنی احمیای حاکمیت بی چون و چرای سرمایه انحصاری و انحصارات امپریالیستی در ایران است. از نقطه نظر بورژوازی و امپریالیسم، اوضاع پیش از انقلاب، اوضاعی که با انقلاب عظیم توده های کارگر و زمینکش و ویژه با قیام خونین بهمین در هم رخته بوده باید احیاء شود. به این ترتیب منافع بورژوازی و امپریالیسم در ایران ایجاد می کند که نه تنها



اردوگاه امپریالیسم آمریکا تعلق گرفته است. به علاوه موقعیت استراتژیک ایران و سیرامکانات اقتصادی اش در خدمت سرمایه انحصاری ایران را به یکس از پراهمیت ترین مناطق نفوذ و سلطه امپریالیسم آمریکا تبدیل ساخته است. تعلق سرمایه داری ایران به اردوگاه امپریالیستی آمریکا امری صریح قرار داری نیست، بلکه اکنون دیگر از پایه های عینسی محکم در نظام جهانی امپریالیسم برخوردار شده است. بورژوازی ایران با هزاران رشته و پیوسته اقتصادی و سیاسی و فرهنگی به امپریالیسم آمریکا و عملکرد سرمایه های انحصاری آمریکائی و اروپائی در ایران پیوند خورده و به آن وابسته گشته است. اقتصاد سرمایه داری ایران جزئی از تقسیم کار جهانی اردوی امپریالیستی آمریکا و متحدین اوست. این واقعیتی است که اردوی امپریالیستی شوروی کاملاً آن را به رسمیت شناخته و هیچگاه این توهم را نداشته است که گویا میتواند بدون یک تجدید تقسیم بنیادی در سطح جهانی با کفک این یا آن آخرتد و حجت الاسلام یا دارو دسته نوظنه گسر داخلی و حکومت سرمایه در ایران را در حیطه نفوذ خود قرار دهد. تلاش شوروی در ایران از طریق احزاب و نیروهای کارگزار خودش نظیر حزب توده نیز حد اکثر معطوف به آن بوده است که علاوه بر کسب امتیازهای سیاسی و اقتصادی سیر و کوتاه مدت در سطح جهانی از موضع نوی تسری سرریز معاظه با امپریالیسم آمریکا بشینند.

اکنون درک این نکته که چرا حزب توده هم علیه هم همراهی و همکاری اش با خط رسمی حکومت و علیه آنکه خود در تمامی تصفیه های پیشینس معالمانه شرکت داشته در جاهایی که خود در کدن آن سهیم بوده است سقوط کرده است و متکسر نیست. حزب توده با کفک به جمهوری اسلامی در

امر سرکوب انقلاب و طبقه کارگر و اعاده اوضاع فصل از انقلاب در همان حال متعول کندن گور خود به دست خود بوده است. زیرا آزادی فعالیت یک حزب روسی در یک کشور تحت سلطه و منطقه نفوذ امپریالیسم آمریکا آسهم در کشوری با اهمیت استراتژیک ایران و خارج از چارچوب قرارداد های رسمی و یا توافقات حس بلوک های امپریالیستی است. حزب توده در شرایطی در ایران فعالیت مجدد خود را آغاز کرد که جنبش انقلاب و قیام همی ضربات جدی بر حاکمیت بورژوازی و سرمایه انحصاری در ایران وارد کرده و عملاً نفوذ و سلطه سیاسی امپریالیسم آمریکا بر ایران را منزلزل کرده بود. در نتیجه بدیهی است که بخودی خود اعاده اوضاع قبیل ارفیام و "معارف" شدن اوضاع سرمایه داری ایران، تخته کوبی در حزب توده و ایسی بنگاه دفاع از سامع شوروی را طلب میکرد. درست همانطور که شوروی نیز در مناطق تحت سلطه و نفوذ رسمی خود برای مثال در پاکستان و بلغارستان چکسلواکی و جمارستان و غیره فعالیت یک جریسان وابسته به اردوگاه امپریالیستی رقیب را تحمل نمیکند. بنابراین حزب توده علیه همه چاکر متشی اش چه یکی از آخرین موانع اعاده وضعیت قبل ارفیام بدل شده بود. و بیایست از سر راه بورژوازی طرفدار آمریکای ایران جا رو میشد.

اکنون این امر صورت گرفته است و حزب توده توسط همان دشمنی که خود در جلا دادن آن مرحله دیگری در سیر تکاملی اردوگاه ضد انقلاب در ایران پیموده شد است و حکومت ضد انقلاب در ایران و اکنون از نقطه نظر جهت گیری امپریالیستی-اشروکت ترو و یکپارچه تر شده است. امپریالیسم

ایران نیروی پدیدار می‌شود که نه فقط تقسیمات امپریالیستی موجوده، بلکه نفس امپریالیسم و سرمایه‌داری را هدف حمله خود قرار می‌دهد. نیروی که خود را برای نبرد بی‌امان و تعیین کننده، در راس جنبش‌ها کارگر و زحمتکش ایران، علیه حاکمیت امپریالیسم و کلیه نیروهای سیاسی و نظامی اردوگاه‌های امپریالیستی، آماده میکند. نیروی لایسزال کارگران و زحمتکشان ایران و جهان، و چهره‌ها و مبارزانی که اینک پیکر اردوگاه‌های مختلف امپریالیستی را فرا گرفته است. هامن و گواه پیروزی قطعی حزب ما در این مبارزه تاریخ ساز است. و آن نیروهای که خیال خام وراثت حزب توده را در سر می‌پیروانند و از هم اکنون خود را برای احراز مقام نباید گسی اردوگاه امپریالیستی شوروی آماده میکنند. حکومت به نکتش قطعی اند. و را حزب ما از بیخ بهارزه. ای قاطع علیه روزنیویسم متولد میشود و پرچم این مبارزه را تا برایشان انتزاع می‌یابند لیتنی کارگران جهان و تشکیل ستاد رهبری جهانی طبقه کارگر علیه امپریالیسم و سرمایه داری و روزنیویسم قاطعانه در اهتزاز نگاه خواهد داشت.

★ ★ ★

انقلاب و توده‌ها کست شود.  
البته اینکه آقایان بورژوا-آنترناتیو حترم شورای ملر، در معامله ای که بر سر قدرت آفماز کرده اند حاضر به پرداخت چنین بهائش هستند و یا خیر، امریست که به خود آنان مربوطست. ما تنها به ایشان توجه می‌دهیم که در سر ما نجسام حترم راهی که در پیش گرفته اند بیشتر نامصل و تعقی کنند و مرا متنب کنند که قدرت ارتش عظیم چونسد میلیون کارگران تنها در ختلانیت و بارآوری نیروی کار آنان خلاصه نمیشود!  
عبد تقوایی

آمریکا و دول امپریالیستی اروپای غربی ارضیه ای که عملشان بر اردوگاه رقیب زده اند خوشنودند. شوروی به روابطنی که پیش مشابیه روابطنی که با حکومت شاه داشته، عقب می‌کشند. بقایای حزب توده، مدجوحانه می‌کوشند تا شکل و شامیل یک جریان آبرونیویسم را بحود بگیرند. علیه زاده روی هسای برخی اطرافیان امام بیانییه صادر میکنند تا بلکه هاسی برای دلفک بازی مجدد خود در آینده سیاسی ایران باز کنند. و جانشینان جوان حزب توده که متفق به شوروی را با آبروریزی های آشکار حزب توده در مناقض یافته بودند، نفس به راحت میکنند و خود را برای جلب نظر اردوگاه ما اصطلاح سوسیالیسم ترو نیز میکنند. امام در مقابل همه امپریالیستک نیروی شکل می‌گیرد که همه محاسبات امپریالیستها و اعوان و انصارشان در ایران را بر هم خواهد ریخت. حزب کمونیست، حزب طبقه کارگر ایران، دشمن سرمایه داری، امپریالیسم و روزنیویسم در حال تکمل گیری است. دورانی که طبقه کارگر ایران با رنج دست احزاب و سیاستمداران بورژواوروقابت‌های مدانعمین و هواداران بلوک های امپریالیستی بود دیگر سپری میشود. اکنون در عرصه سیاسی

بغیه از صفحه ۲۵

آنترناتیو ۰۰

بهرید اند که در معادلات بین اطللی قدرت و درازنایی های قطبهای جهانی آنترناتیویسم از آنچه پیش از هه بحساب می‌آید، آمادگی و قابلیت جانشین خمینی، و درندارم و غیرجام رسانندن سرکوب انقلاب و انقلابیون و احیای کورستان نیت و آرامش آریامهری در ایران است. آمادگی و قابلیتی که برای کسانی که زمانی خود را انقلابی و طرفدار توده‌ها میدانسته اند، تنها میتواند سه قیمت دست شش از آخرین تعهدات و تعلقات به

بقیه از صفحه ۱

هنداره ۰۰۰

چاپلوس آنها از کارگران جایش را به ناطعیست و یکده سنی و وحدت عمل کل رژیم در دفاع از یک قانون کار رعایت سبب و صد کارگری بدهد. قانون کاری که در آن ارتجایی ترین و سیاه ترین پس ماند ه های ۱۱۰۰ سال پیش از قبیل "باب اجاره" و اطفال هم این با ریدون هیچ شرم و حیا و بدون پرده پوتی به خدمت گرفته شود تا بندگی مطلق و استثناسار و حشمانه طبقه کارگر آتلور که نیاز سرمایه اسه بیان قانونی بیاید.

میتوان انتظار داشت که در درجده مبارزه بر سر قانون کاره رژیم اسلامی بجای فعال کردن آن آنها و ایادی خویش در میان کارگران و بجای تلاش برای محدود کردن اعتراضات کارگران در چارچوب "مشروعیت رژیم" و "قانون اساسی" اساساً به نیبوه معمول خود یعنی سرکوب خونین و بر درضنگه روی آورد. اعتراضات ترده ای را حتی اگر در چارچوب تکلیف به "ولایت فقیه" باشد تحمل نکند. به طور امار های اعتراضی (که البته کارگران را به تأکید کل رژیم نبرد نمود می کند) به سبب راهار طرفی خواهد ه های قانونی و کنترل شده که از کارگران می خواهد با قانون کار اسلامی مخالفت کند. اما با کل رژیم اسلامی سبب آشتی کند. کتر اشکاف کند. و یا ابتدا نزندهد. محور سیاست خود را نه بر منحرف کردن و بیه سازش کشاندن اعتراضات کارگری. بلکه سرکوب بلاواسطه و وحشیانه اعتراضات قرار دهد.

بطور کلی میتوان گفت که با تضعیف جناح رفسنجانی ترده ای مانع نریزلات و نا همخوانیهای درونی بر سر قانون کاره از پیش روی رژیم بطور نسبی برداشته میشود.

قدرت در حکومت اسلامی بر سر چگونگی تنظیم قانون استثمار کارگران و بر سر چگونگی تحمیل این قانون به طبقه کارگر اختلاف دارند. سرکوب حزب سوده نشانه آشکاری بر تغییر اوضاع به نفع قدرت یاب جناح موسوم به "حجیه" و تضعیف جناح "رفسنجانی" - ترده ای "اسب" این تعبیر توانی قوا در حکومت سرمایه میتواند در سیاستها و روشهای رژیم در مقابل با اعتراضات کارگری و چگونگی تحمیل و تثبیت قانون کار مطلوب سرمایه تغییراتی حاصل نماید. تغییراتی که فاعداً رژیم را به سمت اتحاد ناطعانه تر و یک دست تر آن سیاستها و روشهای سوق میدهند که عمدتاً جناح "حجیه" پیشنهاد کرده و مدافع آن بوده است. به این اعتبار طرح مجدد قانون کاره همزمان با تضعیف جناح رفسنجانی و انجام یافتن بیشتر رژیم پشت سر جناح حجیه و پیروان آغاز دور جدیدی از مبارزه بر سر قانون کار باشد.

در این دور جدید به باید انتظار داشت که همان پیش نویس سابق که اساساً بدلیل اعتراضات کارگران پس گرفته شده بود. حداقلها جزئی تغییرات و مجدد آن طرح شود. نظاهر به نرمش و توسل به سیاستهای عوامخواهانه که بیشتر جناح "رفسنجانی" مدافع آن بوده کنار گذاشته شود. انکار شرکت در تدوین پیش نویس و عقب نشینی هائی که از جانب جنبه و منتظری و دیگر قلهای سرمایه صورت گرفته بود. به یاد فراموشی سپرده نمود. مخالف خوانیهای بعضی مقامات رژیم با "برسیت شناختن حق سرق" ستضعیف در پیش نویس و بیه چاک دادها و

بشکل حوزه‌های حزبی مشکل شوید و وظایف آنها را از هم اکنون بعهده بگیرید



در زمین امکان می یابد یا وحدت عمل و ماطمیت سه سرکوب آنتنکار کارگران روی آورد و قانون کارش را با وحشیگری با دستگیری زندان، با قلع و قمع رهبران عمل کارگری به طبقه تحمیل کند.

ما در این باره به رفقا کارگر همدار می دهیم و توجه آنها را به صورت آحاد بودن در مقابل هجوم محنت رژیم و آحاد پیروزمانده باره در این دوره بد جلب می کنیم. بزرگی که احتمال وقوع آن چندی از سمیفینست و حقش ممکن است وقتی این نوشته در دست رفقای کارگر برسد، آغار شده باشد.

در مورد این بزرگی پیش فیل در مطعنه کینه مرکزی ما، حسب ۱۶۱ سفند آ.ام تحت عنوان "وظایف شویسها در مبارزه علیه قانون کار اسلامی" همدار داده شده بود. بعد آخر بخش وظایف مطعنه ارما میخواند که "کارگران و رهبران عمل مبارزه را سر شریک ایجاد ملزومات آ.ام کاری و نهادن سازو بها در نظر گرفتن احتمال تعرض سرکوبگرانه رژیم آگاه کنیم. و اکنون نیز که احتمال وقوع این تعرض سرکوبگرانه بسیار بیشتر شده است، ما مجدداً توجه رفقای کارگر را به اتحاد و همسودهای قطعنامه فوق الذکر که در تاریخ کمونیست شماره ۱ چاپ شده است، و همچنین به سر مقاله همان شماره از نشریه ما جلب می کنیم. اما در همین حال مابعد و شدتگرنگاری را در اینجا سازو کار و طبقه میدادیم.

نگته اول اینست: اکنون که رژیم بستی پیروز تا از انعطاف، مواضعین در مقابل ما جنبش نامون کار دست بردارد، باید همه را روشنتر شده باشد که در موسم نمیتوانند نقطه انکلا مبارزه کارگران بر طبقه سرمایه قرار بگیرد، آنچه که رژیم اسلامی و بویژه جنگ جناح آ.ام علیه جنبش هدای مواضعیه را داشته است، در وهله اول مبارزه و اعتراض خود کارگران و همسود رژیم از توان با نفوذ انقلابی اعتراضات وسیع

کارگری بوده است. کارگرانی که به این مواضعیه مواضعیه با توجه به توهم شده بودند، یا تصور کردند که در این اوضاع سرکوب و گرسنگی، در شرایطی که کتسر امید می به بهبود وضعیتان میروند، هرگونه اصلاح و مختصر بهبود در وضع کارگران بار خود گنایندی در زندگی است. اکنون باید بیاموزند که مرشش و بعد ششویس جو روزاری نه حصول حسن نیت این سیاست آن، جوژوا، بلکه قبل از هر چیز انعکاسی است از مبارزه، توان و قدرت مستقل کارگران.

پس فقط وقتی که کارگران مستقل از هر جناح و جریان جوژوانی، شعارهای مستقل خود را پیش بکنند، در تشکیلاتی نوده ای و حزب کمونیست خود متشکل شوند، مبارزه مستقل و انقلابی خود را پیش ببرند، فقط در این صورت است که جناحهای مختلف رژیم سرمایه، به دادن برخی امتیازات و برخی عقب نشینی ها راضی می گردند. بعبارت دیگر ایجاد اصلاحات و بهبود در زندگی ما نه حصول سرس برای کارگران و رفیقان نیز علم جوژوانی باصلصلاح "خوشتر" و "منفی تر" بلکه برعکس، حصول جانسی مبارزه مستقل انقلابی و طبقانی کارگران بر علیه کسل جوژوانی است.

در همین رابطه، یادآوری می کنیم که قطعنامه مرکزی ما، خواهان جلوگیری از تثبیت هر نوع قانون کار اسلامی (چه اصلاح شده و چه غیر آن) شده است. قطعنامه خواهان اعنا و طرفداری شده است که میگویند مبارزه را در چهاربوت قانون اساسی محدود کنند و به سازمان در نقطه پست قانون کار اسلامی اصلاح شده بکنند.

قطعنامه خواهان طرح مطالبات مستقل کارگری شده و ضرورت تبدیل مطالبات اقتصادی کارگری بخش حداقل برنامه حزب کمونیست، به خواست عملی بخش هر چه وسیعتر از نوده های کارگر را مطرح





پلازا سظه پیشه کنده چگونه بی سلاح و بی پناه و در معرض شکست قرار می گیرند \*

دروس که باید از این واقعه بگیریم اینست که اولاً نقطه انکاز ما در مبارزه بر علیه سرمایه و تشکیلاتی مستقل طیفاتی خودمان خصوصاً حزب کمونیست - حزب محلی - منحلیم که بهترین و فعالترین رهبران کارگری و انقلابی کمونیست را در خود سازمان میدهد - حزب که تحت هر شرایطی چه دوره هجوم بریزداری - چه دوره انکاز - کثافت ممانعت آمیز مبارزه - نقطه انکاز - در هر اصل تمام تشکیلاتها و مبارزات ما است - نقطه با دانش چنین نقطه انکاز یا اهداف ایجاد آن میزاییم محلی و با اقتدار امکانات قانونی استفاده کنیم - ثانیاً در این مورد هم باید بگوئیم که کسب هر گونه امتیاز قانونی آنچه تحصیل مطالباتمان بکسر قانونی و جزواری و چه دست آوردن امتیازات قانونی و شرایط بهتر مبارزه، محصول فرض مبارزه انقلابی و مستقل است \*

قطعه نامه تاکید کرده بود که ضمن استفاده از جمیع و تشکیلاتهای محلی - قانونی بگوئیم - استیقامتی از قبیل عملگردها نباید گمان در چارچوب قطعنامه های صوب انتخاب کنندگان و منزل نباید گمان بجز درخواست اکثریت انتخاب کنندگان را تثبیت کنیم تا هر چه ممکن است این جمیع از امتیازات ایجاد می رژیم اصلاحی بدر آمده و چه رای ندهد کارگر سپرده شود - همچنین سر ممانعت کارگر کمونیست شماره ۶، تاکید داشت که در مقطع فعلی (مقطع تشکیلاتی کمونیستی و حزب) به اندازه کافی قوی که تشکیلاتی کمونیستی و حزب

بقیه در صفحه ۲۱

کرده است - بجز خواهان تلاش در جهت تبدیل کردن چند شمار کلیدی: ۱۰ ساعت کار در هفته افزایش دستمزدها تناسب تورم - بیمه بیکاری - صلاحیت جمیع عمومی در امر اخراج - آزادی زندانیان سیاسی - آزادی اعتصاب - به حواست ندهد های هر چه وسیعتر طبقه - در برابر قانون کار اصلاحی شدت است - نکته بعدی در ارتباط با نحوه استفاده از امکانات قانونی - علمی لازم بتذکر است - میدانیم که رژیم در طی چند ماه گذشته برای پیشبرد سیاست خود که مدتها به منحرف کردن وجه مبارزات کنایندس اعتراضات کارگری استوار بوده است - بر خلاف معمول همیشه این در مقابل اعتراضات علمی ولی قانونی ندهد ها بردباری و اعطاف بیشتری به شرح داده و در این ارتباط برخی امکانات قانونی اجراء اعتراض و مخالفت از قبیل جمیع و امتیازهای علمی - والیبه کنترل شده - چاپ و انتشار تبارهای اعتراضی - ایسه یا تهره - ضمن ناپدید رژیم - فراهم شده بود - حال که رژیم می رود تا صوت پایان اعتراض در اشکال قانونی را به صدا در آورد و بیسه سیاست معمول خود روی آورده آن کارگزاران کسب عموما از روی زندگی حام و ما بخته ای به این امکانات دل بسته بودند - باید متقاعد شوند که منکر شدن برخی امکانات قانونی (منکر شدن وجه استفاده از آنها) یا چه حد خطیر خطاست - اکنون بغیر روش است که چگونه آن بخش از طبقه و رهبران آن که بسدور انکاز بر تشکیلات و تربیت مستقل ندهد ها یا بسدور مبارزه در این جهت تمام انگلیسارزش خود را بر امکانات قانونی گذارده بودند - وقتی که رژیم امکانات قانونی را ملغی کند و سیاست سرکسوب

## زنده باد سوسیالیسم!

## پایسن رفیق عبداللہ مصطفیٰ

سنگوی کمیته برگزار کننده کنگره مؤسس حزب کمونیست

## به برخی سوالاتی که از این کمیته بعمل آمده است

دو سال مان آنرا از خود ابداع کرده باشند و فقط به یکی دو سال مان در یک مقطع زمانی معین مرسوم باشند، برعکس، این حزب در جریان جوابگویی به تمامی گرایشهای درون جنبش کمونیستی، در جریان شروع حساب با آنها تشکیل میگردد. حزب کمونیست ایران نباید حری باشد که از مواجهه و رود روش با گرایشها و جریانهای سیاسی که به نام مارکسیسم فعالیت میکنند روی گردانده باشد. حزب کمونیست حری است که با گذشتن از کار سایر جریانهای مدعی کمونیسم، با صرم نظر کردن از آنها و اعتنائی به آنها یا چشم پوئیدن ساده و سطحی از آنها تشکیل شود. ما از دیدن واقعیات روی برتن تاییم بلکه مستقیماً چشم در چشم آنها میدوریم. ما در برخورد به این جریانها سرما را به درخشان اندازیم تا کار خود مان را بکیم. ما برای تشکیل حزب کمونیست ایران امری صرفاً درون تشکیلاتی و بدون تأثیر سیاسی بر محیط سیاسی بیرومن خود نیست و نمی تواند باشد.

تشکیل حزب کمونیست خود حلقه ای از حلقهات مبارزه طبقاتی بولشاریا و نقطه عطف مهمی در این مبارزه محسوب میشود. جریان حزبی مارکسیسم انقلابی در حال حاضر و حزب کمونیست هم در فردای تشکیل، نه با گذشتن از کار سایر نیروهای موافق یا مخالف، بلکه در مواجهه مستقیم با آنها در جذب و باعس آنان و در شروع حساب با جریانهای مدعی مارکسیسم و کمونیسم، نیروی واقعی خود را بیسد ا

اظهار سخنگوی کمیته برگزار کننده کنگره مؤسس حزب کمونیست ایران، رفیق عبداللہ مصطفی. در نامه ای که از راه پست برای انقلاب ایران پیشش گردیده، به برخی سوالات و ابهاماتی که در مورد اطلاعات کمیته برگزار کننده خطاب به نیروهای سیاسی وجود داشت، پاسخ گفته است. ما در زیر متن این نامه را جابجایی کنیم.

بعد از اعلام موجودیت کمیته برگزار کننده کنگره مؤسس حزب کمونیست ایران و انتشار غشی نامه ای کمیته برای برخی از نیروهای اپوزیون که تحت نام کمونیست فعالیت میکنند، نامه هایی به کمیته برگزار کننده رسیده که در آن عنوانهایی در رابطه با این مسئله مطرح گشته است. ضمن کلی و عمومی این سوالات این است که چرا کمیته برگزار کننده کنگره مؤسس حزب کمونیست ایران برای کمیته مرکزی آن سازمان ها و گروههایی نامه نوشته که از لحاظ ایدئولوژیک با آنها اختلاف دارد و میدانند که در خط برنامه نیستند و حتی برخی از آنها علناً علیه برنامه موضع گیری کرده اند؟

من به این وسیله پاسخ کمیته برگزار کننده را در این مورد، به اطلاع همگان میرسانم. ما که این نامه را برای گروهها و سازمانها نوشته ایم چند هدفی که ذیلاً توضیح خواهم داد مد نظر داشته ایم:

۱- ما این نامه ما یک بار دیگر خواسته ایم نشان دهیم که حزب کمونیست ایران جویانی نیست که در فضای سیاسی تشکیل شود، جریانی نیست که یکس



حزب کمیونیت چه کس و نا چه درجه ای با ماست  
و یا با ما نیست \*

۲- در عین حال، ما هم کمیته برگزار کننده فراخوانی  
است به همه سازمانها، نیروها و یا امرای از آنها  
که بخواهند به صف مارکسیسم انقلابی بپیوندند \* و  
این امر بیانگر نیرومندی و توانایی ما در دفاع از  
اصول برنامه ای و سیاسی ما است \*

ما در عین اینکه از اصول و برنامه حزب کوتا  
نیس آیم و با انحرافات سازش نمی کنیم در همان  
حال نیز راه را برای تعمیر روش کسانی که نا به حال  
مخالف بوده اند باز میگذاریم \* ما نس خواهیم در  
مورد ما اینطور فضاوت شود که پانداره کامی راه را  
برای کسان دیگری که ممکن است خطا می ما را  
ببند برید یا رنگ داشته ایم \* برعکس ما از چنین  
چیزی استقبال نمی کنیم \* ما همه گروهها و جریانها  
که تحت نام مارکسیسم و کمونیسم فعالیت میکنند  
برحود می کنیم \* برایشان نامه می نویسیم \* نظریات  
و امپرسیو واره میخوانیم که فعالیت برنامه بپیوندند \*

سنگری کمیته برگزار کننده کنگره موسس

حزب کمیونیت - عبدالله مهدی

۱۲ / ۲ / ۷۱

کردن و عقابیت حوش را نشان میدهد \*  
ما نس خواهیم تشکیل حزب کمیونیت امری درون  
تشکیلاتی تلقی شده بلکه میخوانیم حزب را در  
انظار جامعه \* در برابر طبقه کارگر در برابر همه  
نیروهایی که مدعی مارکسیسم هستند تشکیل دهیم \*  
ما می خواهیم حزب کمیونیت را با پیونده روشن و  
باز تشکیل دهیم \* ما می خواهیم هر کس با هر  
نیرویی که خود را در امر تشکیل حزب کمیونیت  
در بریط و در بیفیع میداند در این باره آشکارا و بی  
هر نحو که صلاح میدانند نظر خود را اعلام کند \* ما  
بر خلاف سنت متداول در میان روبروئیستها می -  
خواهیم با صراحت و آشکارا عمل کنیم و دیگران را  
هم به در پیش گرفتن چنین روشی متعهد نمانیم \*

۱- علاوه بر مطلب بالا \* پیدائید که کمیته برگزار  
کننده موظف است گزارش کار خود را به اولین جلسه  
کنگره موسس حزب کمیونیت ایران ارائه دهد \* کنگره  
حق دارد از کمیته برگزار کننده در مورد موضوع  
سیاسی سایر نیروهای مدعی مارکسیسم و افدامات  
کمیته در این رابطه از آن سؤال کند و گزارش  
بخواهد \* طبیعی است که در چنین حالتی کمیته  
برگزار کننده نمیتواند که به حافظه خود و یا به  
گذشته سازمانها رجوع نماید و جوابی رسمی مربوط  
به مواضع سازمانها را در مقطع تشکیل حزب در  
دست نداشته باشد \* ما به عنوان کمیته برگزار کننده  
میخواهیم گزارشی رسمی و کتبی به کنگره ارائه دهیم  
و باید بتوانیم بگوئیم که ما به کدام سازمانها مراجعه  
کرده ایم و چه جوابی دریافت کرده ایم و با درجه  
موردی اصولا جوابی گرفته ایم \*

به این ترتیب نه فقط در سطح تئوریک بلکه در  
سطح رسمی نیز معلوم میشود که در مقطع تشکیل

## برنامه

### حزب کمیونیت

را بخوانید و در تکثیر و توزیع آن بکوشید

پیروزی انقلاب در گرو مبارزه

متحد و منسجمل کارگران است

گفتگوی درباره:

## مبارزه کارگران علیه قانون کار اسلامی

پیان شده است. رژیم نفل داده است با توجه به نظرات کارگران و قطعنامه همین شماره قانون کار جدیدی تدوین کند و اکنون میتوان گفت بستن آتش بیس موقت بر سر قانون کار بوجود آمده است. البته این بمعنای فتلغ مبارزه در این مدت نیست زیرا در سه ماهه رستان ناهد اعتصابات و اعتراضات کارگری بر سر خواسته ها و مطالبات دیگری بوده ایم. ولی از هم اکنون روشن است رژیم قصد دارد قانون کار ضد کارگری دیگری بسازد و برق جدیدی به کارگران تحویل کند.

در این شکی نیست که رژیم جمهوری اسلامی، مثل هر رژیم سرمایه داری دیگری برای بسته اقبال کتیب هر چه بیشتر طبعه کارگر از هیچ تلاشی فروگذار نمی کند و قانون کار این رژیم نیز در نهایت در خدمت همین هدف است. اما نکته ای که باید توضیح داد میشود اینست که چرا رژیم جمهوری اسلامی در این مقطع زمانی مشخص سعی کرد که این قانون ارتجاعی را تصویب کند و چه هدف معینی را در این مرحله تعقیب میکرد؟ نظر شما در این مورد چیست؟

کارگران از همان اواخر دوران شاه و خصوصاً از ماههای دی و بهمن سال ۵۷ همراه با اعتصابات و اعتراضات همیشه خواستار لغو قانون کار شاهنشاهی و تدوین یک قانون کار انقلابی با مشارکت و نظارت خود بوده اند و اقدام از قیام نیز برای این خواست به مبارزه ادامه داده اند. ولی رژیم اسلامی تحت بهانه های

آنچه میخوانید شن گفتگوی است که چندی قبل با رفیق رضا مقدم یکی از رفقای کارگر عضو اتحاد مبارزان کمیونیت انجام شده است.

کمیته مرکزی ما در قطعنامه ای که در کارگر کمیونیت شماره ۶ بنیاد رسیده روش و نظایف کمیونیتها را در مبارزه علیه قانون کار اسلامی معین کرده است و در این شماره در مقاله "هندار به کارگران: برای دوره..." نیز در رابطه با موضوعیت جدیدی که با تصویب حزب توده میتواند در سیر آتی این مبارزات بوجود آید و رهنمودهایی را مطرح کرده ایم.

این گفتگو از این لحاظ که تصویر روشنتری از تا کنونی مبارزات کارگران علیه پیشرویس باس کار و مکرر العلماهای کارگران رژیم نسبت به آن و نقاط ضعف این مبارزات بدست میدهد بنیاد در درک و اتحاد بهتر این وظایف و رهنمودها مفید و موثر باشد.

کارگر کمیونیت: مبارزه کارگران علیه پیشرویس قانون کار اکنون در چه مرحله است و به کجا رسیده است؟

رفیق رضا: میدانید که اعتراضات وسیع و توده ای کارگران باعث شده که رژیم رسماً این قانون را پس بگیرد. از تاریخ ۱۱ اسفند بدست سه روز سینار شوراها و اجنهای اسلامی که تشکیلهای زود و ضد کارگری داشته به رژیم هستند و با طرسمبار جنبش معنی حلوا افتاده اند تشکیل گردید. این سیار اصلاحات و پیشنهاداتی بر قانون کار اسلامی مطبق کرد که در قطعنامه آن



از طیفه کارگرمایان بگیرد، ما این و اعلام ماسون  
کار اسلامی سعی کرد تا به این پیروزی ها و  
پیروزیهای طیفه سرمایه دار در مقابل انقلاب  
و طیفه کارگر قانونیت بدهد و آبرو رسا نشیند  
کند.

در شرایطی که کل سرمایه و رژیم اسلامی در  
موقعیتی ضعیف نسبت به کارگران قرار داشت و  
ما کارگران بدلیل فقدان تشکل و بحاضر محسوم  
بودن از رهبری واحد و سراسری خود نتوانستیم  
از این فرصت استفاده کنیم ولی اکنون سرمایه  
ما می آموزد که چگونه باید هر پیروزی ولو اندک  
طیفه خود را تثبیت و تحکیم کند. علامه کم رژیم  
اسلامی با طرح و اعلام قانون کار سیاه و ارتجاعی  
خود این هدف را دنبال میکند: برسیب چندین  
و قانونی کردن بی حقوقی میاوس و اجتماعی و  
حقان و ملاکت و سطح معیشت سال تحمیل شده  
به کارگران و در یک کلام حذف و تحکیم شرکط  
استثمار و حشیانه نیروی کار.

■ تا کنون کارگزاران رژیم مواضع ضد و نقیضی را در  
برحورد به مسئله قانون کار و اعتراضات کارگران  
انتخاب کرده اند. دلیل این امر چیست و آیا  
اصلا همه سردمداران رژیم با تصویب ایس  
قانون موافقند؟

— در شرایط حاضر و به لطف اعتراضات و اعتصابات  
وسیع کارگران و خیر!

اجازه دهید خلاصه ای از جریان تدوین  
پیشنویس قانون کار اسلامی را بر گرفته از  
جانب رژیم بویاتان بازگو کنم. ابتدا دیوکار ویت  
هیئت ار مشاورانش در وزارت کار نیز انامت حسان

مختلف از جمله " مسائل و گرفتاریهای" ناشی از  
انقلاب به خواست کارگران تن نداد و کوچکترین  
تغییری در قانون کار شاهنشاهی بعمل نیاورد.  
در دوره ای که ما شوراهای پر قدرتی داشتیم و  
در باره مسائل صنفی و خود تصمیم می گرفتیم و این  
تصمیمات را رسا عمل می کردیم. مثلا شوراهای  
کارگری بسیاری از کارخانجات قانون ۱۰ ساعت  
کار در هفت را لغو کرده بودند و به آن عمل  
می کردند. تا مقطع ۲۰ خرداد ۶۰ هنوز کارخانه  
های زیادی وجود داشتند که بایه تصمیم کارگران  
پنجاهشنبه و جمعه تعطیل بودند و ۱۰ ساعت در  
هفته کار می کردند و در بعضی از کارخانجات  
نظیر سایپا - بنز خاور - جنرال موتورز - ایرانا -  
تولیدی تهران و ۱۰۰ رژیم غایت در اواخر سال  
۶۰ توانست نیز رژیم و دستگیری و احسار و  
۱۰ ساعت کار در هفته را لغو کند و پنجاهشنبه  
نیز کارگران را بسوکار بفرستد. بیه و ما کارگران  
این قدرت را داشتیم و اما این قدرت ما محدود  
به چهار دیواری کارخانه بود و سراسری و متحد  
نیود و رهبری واحد و سراسری نداشت و ایس  
پراکنده کی و تشک ما را از طرح یک قانون کسار  
انقلابی و تحمیل آن به رژیم باردانت. میدانید  
که همیشه و در مراحل مختلف مبارزه طبقاتی و  
طبقات سعی میکند که به شرایط برترش قانونیت  
دهند و آبرو تثبیت کنند. در ایران نیز رژیم  
اسلامی سرمایه که موفی شده بود با سرکوب گام به  
گام شوراهای و با اخراج و دستگیری تدوین و همرا  
کارگری و جنبش کارگری را به عقب برانست و  
دستاوردهای انقلاب و قیام را یکی بعد از دیگری

**زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!**



میروند از هم تابع محفل با وجود هار پیاسر  
 کومه رصد کارگش نشاید میکند که قانون کار اسلامی  
 باید در تمام اجاره نوشته شود و میگوید از  
 حایندگان خدا در روی زمین که همان آیات عظام  
 خداوند کتاب بگیند . البته میدانید که نوشتن  
 قانون کار اسلامی در تمام اجاره یعنی تبدیل  
 کردن کارگران به مال الاجاره سرمایه داران .

خدا از زمین این ره سود هیئت کد اثر سرد  
 آمد و بنش و بولع امام و خنک حاسر و عظام  
 آیت الله العظمی منتظری میروند و از نیز نوشتن  
 قانون کار در تمام اجاره را نباید میکند و بعد ای  
 از دستشان سود و بدترین حوزه علمیه قم را محور  
 میکنند . همراه این هیئت قانون کار اسلامی را  
 میگویند . قانون کار اسلامی دستبخت این هیئت  
 در هیئت دولت تصویب میشود و به مجلس میروند  
 میشود . تا این مرحله همه سردس اراق و زعمای  
 رژیم اسلامی با این قانون موافقت و هیچ ایراد و  
 اشکال از ما . با لایح ها برابر میشوند . پس  
 انتشار میشود . قانون کار و پرکار اعلام میکند  
 این قانون صد درصد اسلامی است و هرگز با آن  
 مخالفت کند مگر و کمونیست است . اما اعتراض  
 کارگران تنها به مخالفت پیشروان کمونیست شان  
 محدود نمی ماند و اعتراضات وسیع و تودمائی کارگری  
 آغاز میشود و آنها در این موقع است که سران رژیم  
 شروع به ابرار مخالفت با پیش نویس قانون کار  
 می نمایند .

همراه ما اوج گرفتن اعتراضات وسیع کارگری  
 نسبت به این قانون کار ارضاعی و مروت و مطانی -  
 قانونی که حتی اگر در زمان اسپارناکوس منتشر  
 میشد هم بودگان چندین سال جلوس امتداد ! -  
 بر تعداد رضا و مسئولینی که در تدوین قانون  
 کارگشند داشتند از آن بی ادلاع بودند و با آن

به الفت میگردند زیر امر وده . بیند اذفاتر حمیر و  
 منتظری که هوا را پس دیدند هر که امام خدا کاسه  
 اطلاعاتیه ای دادند و دخالت خود را در تدوین  
 قانون کار نکردند و این وقت نشینن مفرک شما  
 آنجا پیشرفت که اکنون موجود اورد جلی نه و ز سر  
 مسایع و معادن و جوس کرمان . محنت دستوری و  
 ... هم به میدان آمده اند و با این قانون کار  
 مخالفت میکنند . مگر با این قانون خود در صد  
 اسلام را خدا بدعا وین حیران نمایند گسان  
 زمین خود ساز کرده است!

این مخالفان خواهان چه میشوند و چه هدفی را  
 دنبال می کنند ؟

هرگاه حکم یا قانون اسلامی با اعتراض و مبارزه  
 ای جدی از طرف کارگران روبرو شود اولین حرفی که  
 آیات عظام و علمای اعلام میگویند است که " اسلام  
 این نیست ."

این بار نیز وقتی پیشنهاد اسلامی قانون کار  
 یعنی " باب اجاره معاد اسلامی " و متواتر تأیید  
 فقهای غالبند و در تحویل این قانون کار اسلامی  
 حاسر سرمایه نتیجه ای نباشیده اولین تسلان  
 آیت الله های ریز و در شه این حد که " کسان  
 اسلام " را حفظ کنند و آنرا از ریز نبع حله کارگران  
 نجات دهند . اما همینجا باید به این حد متنگرو -  
 آن و نوکران سرمایه مدس بگویم که اگر آنها هنوز  
 در بکار گرفتن اسلام کاملاً باور نشده اند و گاهی  
 حضور میشوند که احکام و قوانین صد درصد اسلامی  
 خود را بتوان احکام صد درصد غیر اسلامی پس  
 بگیرند . ما کارگران در این چند ساله طریقیست  
 اسلام در خدمت به سرمایه و انتشار او خیلی حود  
 شاخته ایم در این سالها بسیاری از انضامات  
 کارگری را سوکوب کردند . شوراهای صنعت کردند



از تحریک ضد انقلاب بیدارند.

در کل باید بگویم تمام اینگونه مخالفتها فقط و فقط برای تیرم و ایجاد شکاف در بین کارگران و سرکوب و مهار این جنبش است.

کارگران به کدام موارد و از چه جنبه هایی به پیش بر سر قانون کار اسلامی اعتراض دارند و شکلی بروز این اعتراضات چگونه بوده است؟

کارگران بطور گسترده خواهان لغو قانون کار اسلامی و تدوین یک قانون کار با نظارت و مشارکت خود شدند. کارگران به کلیه بندهای این قانون

سیاه و ارتجاعی اعتراض کردند. در این قانون حتی اسم کارگر برصیحت شناخته شده و بجای آن از لفظ "کارکن" استفاده شده است. در این قانون

کار اسلامی حتی یک کلمه در باره میزان ساعات کار در هفته - میزان حداقل دستمزد - طسیرم اضافه دستمزد یعنی در چه شرایطی و طبق چه

مرازیس دستمزد ها اضافه شود، میزان مرخصی سالانه و روزهای تعطیل، بیمه و طبقه بندی مشاغل و ... و غیره ندارد و حتی این موارد به توافق فردی کارگر و کارفرما گذار شده است.

کارگران مجامع مردمی، بهاری تشکیل دادند و به این قانون کار اعتراض کردند. در یکی از این جلسات که در آن روز بزرگوار و معاضات صورت انداخته کارگران از وزیر کار پرسیدند: "چرا در قانون کار

بیمه نیست؟ وزیر کار جواب میداد: "بیمه در هیچ کدام از رساله های تورات، انجیل و قرآن موجود نیست. اگر کارگری با کارفرما توافق دستمزد و تعطیلی و مرخصی و بیمه و تفریحات نمیکند چه کار کند؟" او

جواب میداد: "بزرگوار! بیا با ما بیمه جمع کنی و بیاورد نمیشود." این جوابی بود که در آن روز بزرگوار و معاضات

توکلان سرمایه باغش بالا گرفتهن پیش از پیش ختم و اعتراض کارگران میگردد.

کارگران را به گوله بستن - اخراج - دستگیری - زندان و شکنجه و اعدام کردند و تمام این کارها تحت لوای اسلام صورت گرفت. هرگاه کارها بیوقف مراد سرمایه پیش میرود و کارگران تکلیف میکنند و هیچیک از حضرات آیت اللهها و سران رژیم نازمی به حفظ کویان اسلام نمی بینند. اما وقتی اعتراضات و مبارزات کارگران، ضایع سرمایه داران و بهمهرا - آن کویان اسلام را در خطر می اندازد آنوقت است که حضرات ناگهان ساوا می آورند که "خدا هم کارگر ندیده است!"

در مورد قانون کار عیناً همین اتفاق افتاد و با شدت گرفتن مبارزات کارگران تلاش بزرگان محکم سرمایه برای حفظ کویان اسلام آغاز شد. اما این

تلاش تنها به سردمداران و کارگران رژیم اسلامی محدود نبوده است و نیروهای اسلامی اپوزیسیون رژیم اسلامی نیز با حمله کردن به قانون کار

خجسته (!!!) سعی میکنند که اسلام را سبب سبب استفاده های معدی خود محفوظ نگه دارند. ولی

باید بگویم هر دو دسته در اشتباه هستند اگر فکر میکنند میتوانند یک دوره دیگر جنبش کارگری را به نام اسلام و با استفاده از اسلام سرکوب کنند.

نقش سرمایه داران در این دوره در حفظ پایه های سرمایه داری اشاکرده است بیشتر از آن آشکار شده که فرستی برای استفاده مجدد سرمایه از این

شیوه ها و شرکتها عالی مانده باشد. بخشش دیگران از نیروهایی که سابقین کار مخالفت کردند حزب توده و فدائیان خلق (اکثریت) هستند که طبق سیاستهای خود سرمایه داران را در چهارچوب قانون اساسی نگهدارند

و مانند همیشه از اعتراضات و مبارزات کارگران مستثنی کارگران جاوید و ... را نگاه میدارند و

۱ - قانون کار اسلامی قانون ضد کارگری و بنفیع سرمایه داران است و باید لغو شود. ۲ - نمایندگان کارگران باید در تدوین قانون کار مشارکت و دخالت داشته باشند. ۳ - حداقل دستمزد میزان برخی سالانه و روزه‌های تعطیل - میزان ساعات کار در هفته - بیمه و تأمین اجتماعی و ... باید در قانون قید شود و بررسی و شناخته شود.

■ برخورد رژیم به اعتراضات کارگران چگونه بود و شوراها و انجمن های اسلامی در این میان چه نقشی ایفا کردند؟

- همانطور که قبلاً اشاره کردم در اوائل اعتراضات کارگران وزیرکار و مشاورانش به شدت از قانون کار پیشنهادی خود دفاع میکردند ولی وقتی این اعتراضات ادامه داشت، خجسته و منتظری دخالت خود را در تدوین قانون کار انکار کردند و وعده ای از سران رژیم شروع به مخالفت با این قانون کردند رژیم از وحشت محقق شدن این مبارزه و مسامحت از گشایش و پیوستن آن غرض شروع به ساختن تشکیلات های زرد و ضد کارگری وابسته به خود کرد. این تشکیلات برای مهار و به انحراف کشیدن مبارزه کارگران شروع به فعالیت کردند. رژیمی که دستور انحلال شوراها حتی شوراهای وابسته به خود را داده بوده نمود برای کارگران شورا و تشکیلاتی منطقه ای نظیر کانون شوراهای جاده ساره و ... درست کرد. آنها جلسات و سمینارهای متعددی تشکیل دادند و اعتراضات نیم بندی به قانون کار طرح کردند. مثل سمینار سه روزه این تشکیلات که قطب نماه آن در کیهان ۱۴ استند ۶۱ بهیچ پ رسیده است. من به اختصار قسمتهایی از آن را

در جلسه دیگری که در سالن دهخانیات و با شرکت بسیاری از نمایندگان شوراها و کارگران و با حضور موسوی اردبیلی برگزار شده. کارگران ضمن اعتراض به بندهای مختلف این قانون و کیودهای آن به وزیرکار به شدت حمله میکنند و استدلالهای او را برای دفاع از این قانون حاشی سرمایه به باد انتقاد میگیرند. اعتراضات چنان وسیع و شدید بوده است که موسوی اردبیلی تحت فشار کارگران ریا استعمال ناگزیر به عقب نشینی میگرد و او هم در حمله به وزیرکار با کارگران همصدا میگردد. و از کارگران میخواهد که نظرات خود را تنظیم کنند و به دولت بدهند. البته به آنان توصیه میکند که "اعتقاد در این شرایط صحیح نیست!!". یک نمونه دیگر اعتراضی که کارگران ذوب آهن اصفهان بود. با نبودن ارشدن اولین نتایج های تأسیسی در ذوب آهن معاین نخست وزیر به اصفهان میروید. کارگران ذوب آهن مطالبات خود را در ۸ بند از جمله اضافه دستمزد به نسبت تورم - به رسمیت شناخته شدن شوراهای محلی و مرکزی - لغو قانون کار و چند خواسته رفاه سی بنام میکنند و در توماری با اعضای بیش از ۲۰۰۰ نفر امضا کرده و به معاون نخست وزیر می دهند. طرح خلاصه باید بگویم مبارزه علیه قانون کار اساسی ساره ای وسیع و توده ای است که از سرز منابع و کارخانه ها گذشته و به کارگاههای چنده رنگی رسیده است و عمدتاً بشکل جمع آوری تومار در کلیه کارخانجات و کارگاهها و دیگر بخش های کارگری خود را نشان میدهد.

حتوای مشترک این تومارها این است که:

# سرتنگین با در رژیم جمهوری اسلامی



کار اسلامی است .

کارگران يك صدا مافوق انار اسلامی را صد کارگری بیدانده اما تصور بدون مشخصی و رونس از قانون کار کارگری که باید جای آن را بگیرند ندارند . کارگران همی خواستار آن هستند که ساعت کار باید در مافوق کار بید شود . ونسی اگر ار کارگران بپرسید در قانون کار ۴۰ ساعت کار در ۵ روزه هفته باید قید نبود یا ۴۴ ساعت ۲ پاسخ یکسانی نخواهید شنید .

کارگران اعلام کرده اند حداقل دستزد و شیوه افزایش آن باید در قانون کار قید شود . ولی اگر ار کارگران بپرسیم حداقل دستزد چقدر باید باشد و چگونه باید افزایش پیدا کند . نظرات گوناگونی خواهد بود . مثلا خود در کلیه موارد معینی - مس بارشستگی - مرخصی سالانه - تعطیلی - بیمه و ... کارگران دارای طرد - شخص را احدی نیستند .

چنین ابهامات و اختلافاتی وجود دارد و این يك ضعف اساسی است که باید آنرا برطرف کنیم . بنابراین در این فاصله باید شمارها و مطالبات رونس را تبلیغ و به شعار کارگران تبدیل کنیم . این مطالبات به روشن ترین و واضح ترین شکل در بخش حداقل برنامه حزب کمونیست بیان شده است . حدود ۴۰ ساعت کار در ۵ روزه هفته - اضافه دستزد به نسبت تورم - بیمه بیکاری - اصلاحات بیمه معوس در امر اخراج - آزادی اعتصاب و هر گونه شکل کارگزی را باید وسیعاً در میان کارگران تبلیغ کنیم و توده های کارگرا حلی این شمارها بیج نمایند .

از سوی دیگر برقرار کردن ارتباط بین کارگران پیشرو که برای این مطالبات مبارزه میکنند و ایجاد کمیته های هم و انقلابی از میان آنها و

براستان بخرام . در پیش نویس قانون کار ... آید . کارگزی نوچین شده است . دست کارمربان را برای بهره کنی هر چه بیشتر کارگران بار که است است و در قانون کار طرح افزایش تولید - طبقه بندی مثلث - تأمین اجتنامی - مرخصی ها و فرات اخراج کجبانده شده است . و در مورد اخبارات شورها آید است . شورها باید در حرم . استخدام - اخراج - تعیین دستمزد شرکت داشته باشند . در کنترل قیدها - تولید و توزیع و سرمایه بری . تنویق و تنبیه مدارکت و نظارت کنند و از نگه کارگزی در قانون کار استفاده شود . حداقل مرخصی زمان در دوران بیماری و اداری شناس شود . و مواردی دیگر .

تعویب و اعلام چنین قطعنامه ها از جانب این تشکلهای رز و قند کارگری . خود به رونی نشان دهند میزان دار و در به پیش کارگری طبقه قانون کار است . این تشکلهای پلیسی اسلامی میخواهد با این قطعنامه ها مانع موقع کیسری آنکارا صد رونی طبقه کارگزی شود و این مبارزه را در چارچوب قانون اساسی مهار کند و با حرام و غیره بکشد .

بنظر شما چه تغییراتی در شیوه ها و شمارهای مبارزات کارگران باعث تقویت جنبش اعتراضی آنها خواهد شد ؟

در این اعتراضات و مبارزات کارگران رژیم قاسون کاروا رسا پس گرفته و قرار است با توجه به نظرات کارگران قانون دیگری بوسد . در این فاصله ما باید بتوانیم ضعف های خود را از بین ببریم . خود را سازمان دهیم و برای دوره بندی مبارزه آماده شویم . ضعف اساسی جنبش کارگری طبقه قانون کار در اینست که اعظم نگریه است که شعاعا خواستار چه نوع قانون کاری بجای قانون

تا کنون رژیم سعی کرده است تا مبارزه کارگران را مهار کند و نگارد از چارچوب قانون اساسی خارج شود. در این مرحله عمدتاً بر تشکیلاتی زد و خرد کاری اتکا داشته است. از نیروهای حزبی بوده و فدائیان خلق اکثریت استفاده کرده است و کمتر حسرت بکار برده است.

عکس العمل رژیم اسلامی در مرحله بعد بستگی به این دارد که چقدر ما توانسته باشیم وظایف ما را که باره ای از آن را من در این مصاحبه مطرح کردم و خصوصاً وظایفی که در سر مقاله کارگر کمونیست شماره ۱ و همچنین قطعنامه کمیته مرکزی انجمن مبارزان کمونیست در رابطه با قانون کار ذکر شده است، انجام دهیم. ما این را میدانیم که در این فرصت رژیم نیروهایش را سازمان خواهد داد و از هم اکنون خود را برای اعتراضات و مبارزات کارگران در مرحله بعد آماده میکند. از آن حلقه میتوانیم دستگیری فعالین این جنبش - سرکوب نظامی و استفاده از ضعفهای فعلی کارگران (که به آنها اشاره کردم) برای ایجاد چند دستگی میان آنها را نام ببریم. ما باید در کنار انجام وظایفمان در این مرحله خود را برای ادامه مبارزه در شرایط سختتر آماده کنیم. کمیته های مخفی را سازمان دهیم. ارتباطات خود را منظم تر و باید ارتزاق کنیم تا در آن شرایط غافلگیر نشویم و ادامه کارمان تضمین شود.

■ قطعاً در باره مبارزه علیه قانون کار اساسی نکات بسیاری هست که میتوان مطرح کرد. و کارگر کمونیست تلاش میکند جنبه های مختلف این مبارزه را مورد بحث قرار دهد. فراموش نکنیم که در باره آموزش فکری رژیم به حزب توده و رادیکالیتهای که این امر بر جنبش کارگری خواهد گذاشت در مقاله هشدار به کارگران ... توضیح داده شده است.

(ادامه)

دخالت هر چه فعالتر و تشکیلاتی تر این کمیته ها در مبارزات قانون کار فعلی میتواند پایه ایجاد تشکیلات نوآمده ای و واقعی کارگران باشد. بطور خلاصه بگویم شعار و مطالبات واحد کارگری کلید بسیج کارگران و ایجاد تشکیلاتی واقعی کارگران است.

ملازمه برای این، باید به دو نکته اشاره کنم: اول اهمیت و جایگاه بخش اخبار در مبارزه کارگران است. بخش اخبار در حقیقت مبارزات کارگران را ارتقا میدهد و زمینه هماهنگی در شعارها و شیوه های مبارزه را مساعدتر میکند. سایر مسائل خبررسانی را باید به هر شکل ممکن سازمان دهیم و یکی از طرق آن رساندن اخبار و گزارشات در قطعنامه جمعیت اعتراضی کارگران برای شروع "کارگر کمونیست" و "رادیکال های انقلاب ایران" است.

نکته دوم این است که خصمیت سراسری این مبارزه زمینه سازی را فراهم آورده است تا ما بتوانیم با تلاش و فعالیت خستگی ناپذیر خود روحیه همستگی و آگاهی طبقاتی و تشکیلاتی پیوسته ایجاد کنیم و اینها را به قدرت و نیروی طبقاتی کارگران در مرحله اول، به خود طبقه و در مرحله بعد به تمام اقشار و طبقات دیگر نشان دهیم. ما باید مبارزات کارگران بر علیه قانون کار و اداریس جهت برای رسیدن به اهداف پایه ای نیوساز هدایت کنیم.

■ بخاطر شما رژیم در مقابل ما با این جنبش در آینده چه تدابیری را اتخاذ خواهد کرد و کارگران برای اینکه از حالا به استقبال مشکلات آینده بروند چه آمادگی هایی باید داشته باشند؟



به روز - بعد از آن این کارها را بکنیم -  
 زیاد خوردیم این را این تشنگی آید پس  
 شده ایم و آید - هر مواجبت - درس گرفته ایم  
 و بعد از آن دیگر خواهیم گرفت .

پیام من به کارگران این است - که علم رهائی خود  
 را که کویس است با ما در یک کویس شراکت و  
 راه و روش رهائی و آزادی طایفه ما را به خودمان  
 نشان بدهد و من آید و بالاخره پیام این است -  
 کارگران است که به حزب کمونیست ایران پیوسته  
 عزیز که بتواند ما را در تمام چیز و ختم -  
 مبارزه در هر شرایطی رهبری کند - حتی که ما را  
 متحد خواهد کرد و در برابر ایران با شعارها  
 - است و اتحادی که با ما خواهد کرد - ما را  
 متحد و متشکل و برابر بر سر یکد - حزب که  
 تمام انسانها را در یک کویس شراکت و  
 مبارزه در هر شرایطی رهبری کند - من می دانم  
 دیگر که جزای یک آید با که بتواند ما را  
 زنده و دست یابی از ما برآید - در تمام  
 بود آن باقی خواهد ماند -

۱ - رهبری در هر بریم حزب کمونیست - ایران  
 - که با ما را بر طرف خواهد بود - که آگاهتر  
 خواهیم شد - صفویان را فاش کرده تر و متشکل تر  
 خواهیم کرد و تا وقتی که تمام سرها را در  
 صدای ما خواهیم آورد - در برانه های آن جامعه  
 بونی بریا خواهیم کرد - جامعه ای که طایفه ما  
 بر آن حکومت خواهد کرد - جامعه سوسیالیسم و  
 دیکتاتوری پرولتاریا - آید



شکر از شما میخواهم اگر با ما برای کارگران  
 دارید یا نکات دیگری بفرستید - من  
 کید .

پیام من به کارگران این است که - قدر خود  
 اینان بپاییم - ما را در هر راه و روش -  
 من مبارزه من طریق شما با تهدید و خوار کردن  
 عقب نشینی را در کار داریم - این شاه در تمام  
 و اگر این عقب نشینی رژیم اسلامی بر سر  
 ما پیش بردند آنرا پیش بیست و پنج  
 است که از شماره ای واحد و چهار -  
 بود ای و سازمانی و از همه -  
 ما را در هر شرایطی رهبری کند -  
 با این همه این ما می بینیم این همه ما  
 شراکتی که تمام طایفه و اتحاد  
 دیگر ایرانیان اتحاد مهربان  
 و با من در هر شرایطی رهبری کند -  
 قدرت را بالا بدهد - ما امروزه  
 بدهیم و به پیش برویم - این طایفه  
 هنوز ما وجود احلال شوراها  
 دستگیره بدان و اتحاد بر سر  
 ساکت و آرام نشسته است هنوز  
 است و هرگز نخواهد آمد .

پیام من به کارگران این است که از  
 سراسیم - در طول این مبارزه برای  
 آزادی ما و نرواهای ما را منحل  
 آنها را می سازم

در طول این مبارزه - حوزه  
 میکنند - چندین برابر آن  
 در طول این مبارزه و ما  
 و تشکله و اقدام میکند -  
 دوباره رهبران را خواهیم ساخت -  
 ما را بر خواهیم کرد و نخواهیم

ایراز وجود به شیوه راه کارگر!

اخیرا در ادامه تلاشهای که برای سرزمانمان  
دادن به وضعیت در هم ریخته سازمانهای  
پژوهش و ایرونیست و شکسته صورت میگردد  
مردم بدون تاریخ تحت عنوان " برنامه حزب  
کمونیست - برنامه ای برای انقلاب یا برنامه ای  
برای مردم " از طرف کمیته گردستان سازمان راه کارگر  
منتشر شده است - بدون شک اگر این جزوه از  
کمیته ایرونیست و انقلاب و سیاسی سرخوردار  
بود - ما حتماً طور که روشی تا کوشش مان دیده است  
با نهایت دقت در جزئیات به آن می پردازیم -  
ما را ابتدای تشکیل راه کارگره این سازمان را  
بسمان سازمانی با گرایش فوی ریدنیستی و  
با مواضع سیاسی و اقتصادی بوروکراتیک - لیبرالی  
شناختیم و در نوشته های مختلف در متن برخورد -  
های تفصیلی به پیرویس - که راه کارگر است ترین  
و ایرونیست ترین جناح آن را تشکیل میداد - به  
مواضع این سازمان برخورد کردیم - نظر ما درباره  
راه کارگره مواضع راه کارگره و شکات اصطلاح  
شوریک که در جزوه فوق الذکر به آنها پرداخته  
است - بر هر کسی که در جریان مباحثات ۲-۳ سال  
قبل همینجا ایران باشد آشناست و آنچه امروز  
در جزوه فوق الذکر این سازمان آمده است -  
جیبی جبر تلاش نیستند یا نویسندگان ناشی و  
تازه کاری بوی سرهم بندی کردن همان خطای  
گهنگه و اعتبار ساخته سابق در قالب یک " نقد " بر  
برنامه حزب کمونیست نیست -

اما نکته ای که ذکر مجدد را در راه ایس  
جزوه ضروری میکند اینست که این سازمان راه کارگر در  
برابر برنامه حزب به تحریف آشکاره مباحث و

هدایا گونی کشیده شده است - راه کارگر دوره  
جدیده اکنون وقیحانه مدعی میشود که برنامه  
حزب کمونیست در محتوی تفاوتی با برنامه شورای  
ملی مقاومت و حتی برنامه جمهوری اسلامی ندارد  
و دقیقاً از روی الگوی عملکرد جمهوری اسلامی  
افتخار شده است - (ارجحاً کند به صفحات ۲۱ و  
۲۲ جزوه)

براستی کس که برای ایراز وجود جدید خویش  
به یک چنین احکام نحمیده تمول میشود یا یک  
الیه سیاسی تازه کار است یا شارلاتانی که از نظر  
شرف و امانت اساس در مضیقه است (و با نداشتند  
ترکی از هر دو)

برنامه حزب کمونیست - به زبان فارسی نوشته  
شده است و برای هر کسی که مدرک خواندن دارد  
و حتی راه کارگره قابل فهم است - برنامه حزب  
کمونیست از کمونیسم و سوسیالیسم - از ضرورت  
همبستگی جهانی طبقه کارگره از لزوم اشتغال  
حکومت کارگری و سرکوب بورژوازی سخن میگوید -  
برنامه حزب کمونیست از مبارزه قاطع دیکتاتوری  
انقلابی برای حاکمیت شوراهای - از ضرورت لغو  
ارتش حریفه ای و بورژوازی متار و اوسع ترس  
حقوق دیکتاتوری سخن میگوید که طبقه کارگر  
حماس از کمون تا اکبر و امروز برای آر - کشید -  
است - برنامه حزب کمونیست از حق تعیین سرنوشت  
ملل ساکن ایران، از جدائی مذهب از دولت -  
از وسیع ترین آزادیهای سیاسی - از برابری زن و  
مرد - و از دیکتاتریک ترین قانون کاری - سخن می  
گوید که چکیده مباحثهای پیش از کارگران انقلابی  
جهان است - آری برنامه حزب کمونیست از اینها

معنی میگوید. با این حال غالباً ساری باشد راه کارگر بخود اجازه میدهد که چنان اراحمی را بر قلم خود جاری کند. راه کارگر یعنی کسی که تمام اشتراکاتش را در تحلیل سیاسی در این حلقه بیندهد است که گویا اقلیت حضرت مهرگر باید از کامی نداشتن ریشه او برای ما آسان دادن بهر کسی از نیروی کار و معتمدان ایران بعمل نیارود آنرا چشم - کارگرها و امینیه - جیره دوم ص ۱۶) راه کارگر یعنی کسی که در طول انقلاب و مبارزه با لیبرال های مذبذب را در دل داشته باشد و کسی که با شروع جنگ ایران و عراق به شور و هیجان عظیم خود را وقف کرده و به نفعی بی حیره و بیواجب - جمهوری اسلامی تبدیل شده است و استقلال سیاسی اش را از حکومت جدا نشود با جانب بوی نه های، نه های، نه های، نه های اولیه بیشتر به سایشی که اندیشه است. کسی که با هر طری نندن باشد و ایثار و دگانی و دکه او پشت بار محبتش برای جمهوری اسلامی خود کرده است و بالاخره راه کارگر یعنی کسی که - اراحمی را - معضله آمیزنگاهش برای "خودمان های حریفان" بدل کرده و با هر جوان تشکیل اشراکات حزب نموده و با بالا جوده است. اکنون در روز روشن انقلابی نمیشد برانده سیاسی طیف کارگر استوار و مدافعان آن را که در طول نظام معادلی زدند برای حضرتش استوار در برابر ارتجاع جمهوری اسلامی ایستاده اند. شاه جمهوری اسلامی و شورای ملی مقاومت می خواند!

آیا واقعاً راه کارگر نمی فهمد که با این حکم و قیامه برانده حزب کمونیست را تحمل نداد ما است بلکه عملاً جمهوری اسلامی و شورای ملی مقاومت را انقلابی جلوه داده است؟ آیا راه کارگر نمی فهمد که با مشابه خواندن برانده حزب کمونیست با مواضع

جمهوری اسلامی و شورای ملی مقاومت ما را در گذر خدمت تظهير حکومت اراحمی و ضد کارگری اسلامی و اپوزیسیون، جزو آ - لیبرال آن قفسار می گیرد.

راه کارگر می شنود منی آنچه میگوید و اینده با ذائق ما انتظار داریم بعد از یکسال و دو سه رنج مشخص اکنون دیگر بفهمد - شاه ای - شاه که عمل طبقاتی راه کارگر از دانش تشریحی بیشتر است. اینجا پای سماع طبقاتی واقع در مبارزات و طبیعی است که راه کارگر با همه پیروان و آسایش باید بیشتر به شاه و پیروان خود تکیه کند تا به دانش تو ریک این - اراحمی برای کسانی که پدید آمده اند. اراحمی در تمام این - تفاسیر و تحریکات افکار گسیخته و اشکام خود راه کارگر غیر متطوره نیست - حزب دوم چون در روز بیستم یعنی ای استند راه کارگر بیشتر از این بعد العین و الکونی خود قرار داده است. اراحمی امروز گفته کرد که راه کارگر است - شصت این الگو بردارن حاد فاش است.

برخلاف آنچه راه کارگر در جیره خود شنود این دقیقاً وجه - اراحمی برانده حزب کمونیست است که راه کارگر را رنجاند و به چشم آرزو مانده آخره ما در برانده حزب کمونیست - شماره ۱۰ - در همان یک کشور این را می بینیم به توده های اراحمی معروض کرده ایم و این دو غمناک و بیست و دو نفر در تمام این درجه است - حجاب راه کارگر حاد فاش و عاشقانه معتقد است که "سایه" ایند تپانوزیک منفرد کارگره عشق - و این کمونیست است که حجاب اورد و گاه کشورها را خود را در این نروان و کوه های اروای شرم اگر آمده است و این در - این است که دو - در پائین برانده تمام میکند که "ما با اعتقاد به وجود اراحمی -"



از زبان عروسکهای روسیونیستی از نمانتر بارولسکی به ما اعتراض میکند. راه کارگر در نقش با شمس ساسی و معال رهنیونیس مدین میگذرد تا به هر قیمت سرمایه داری دولتی-البنه تحت رهبری احزاب رهنیونیست - را سرپاییم قلنداد کند. این تمام موضع این اردوگاه رهنیونیست در برابر طبقه کارگراست. و لذا راه کارگرازم آگسویون نگران شده است که مبادا طبقه کارگر ایران در "فردای انقلاب" پس از بقدرت رسیدن احزاب "مترقی" مورد حمایت راه کارگر - مطالبات اقتصاد و سیاسی خود را پیگیری کند و خواهران انقلاب بی وقته تا استقرار حکومت کارگری بی چون و چیراز مالکیت اشتراکی بی وسائل تولید و مبادله نشود. راه کارگر شعار "باید کارکی جانم" خود را از هم اکنون بر تابلوی دکان سیاسی خویش نوشته است:

"رهائی جامعه از مرز فلاکت و بحران میسب جامعه تحت حاکمیت توده ای (یعنی حاکمیت راه کارگر و سرکار) تنها میتواند یا بالا بردن مولدیت کار که خود در گره هر چه صنعتی تر شدن جامعه استناین گردد و اخلاص در تولید، مولدیت کار و صنعتی شدن جامعه را به امری ناممکن تبدیل می کند. وقتی حاکمیت سیاسی بدست توده ها افتاد دیگر نیازی نیست که بولتاریا و متحدینش از بابائین در تولید اخلاص کنند. . . . برعکس، حاکمیت نوبولتری (۱) باید بکوشد تا با تمام نیرو با هرگونه اخلاص در تولید مبارزه کند و در پروسه این مبارزه چنان بسیج توده ای ایجاد کند و توده ها را به آن سطح از آگاهی برساند که

درون جنبش کمونیستی بر مبارزه ایدئولوژیک با این انحرافات پای میگذاریم (۱) و هدف از این مبارزه ایدئولوژیک را افشا و طرد احزاب منحرف (که بعضی احزاب با اصطلاح کمونیست همان کشورهای موق الذکر) از جنبش کمونیستی از یک طرف و از طرف دیگر مشوره ترک کردن صفوف جنبش جهانی کمونیستی بدانیم (اصحاح ۱ و ۲ همان جزوه "پراشترها از ناست") بیچاره طبقه کارگر که نماینده ایدئولوژیک می

کس است که باید بدلیل انحرافات ایدئولوژیک از صفوف جنبش کمونیستی "طرد" شود! برآستی که باید برای این اشغه فکری و ژوف اندیشی به راه کارگر مدال داد.

پس از این اظهارات شمشع راه کارگر در یک تحلیل عمیق در صفحه و بیسی (له فلد در دو صفحه و بیس) از حکم مهادام که در سرمایه داری شوروی کار بصورت کالا در آمد. بطرز شیخ آگاسی به نتیجه "برنامه حزب کمونیست یک برنامه لیبرال - آنارشیست است که در وحدت یا جنبش های ارتجاسی نالیبریان اسلامیم است" میرسد! حشم راه کارگر از موضع ما در قبال شوروی و آنچه پس از آن نثار ما می کند از همان منشا فکری و منافع واقعی نتیجه میشود که حزب توده را به فحاشی و جاسوسی علیه مارکسیست های ایران و شرکت فعاله در جنایات جمهوری اسلامی علیه دیکراسی و جنبش کارگری و کمونیستی ما وایدانست. آقایان راه کارگر! آیا رمان آن نرسیده کشتا نیز چیزی از انقلاب بیاموزد؟

اما در توجه داخلی برنامه "راه کارگر" دفعاً

**برقرار باد جمهوری دمکراتیک انقلابی ایران!**



زينه را (دقت كنيد ، تازه زينه را) برادر سلسب مالکيت خصوصي بر ابزار توليد فراهم سازد .\*

( همان جنوه ص ۱۸ )  
 راه کارگر هنوز نود ، اي بالغ نشده به زبان انجمن های اسلامي کاراجات سخن ميگويد . او در حالي که هنوز بقول خودش حتى "زينه" براي سلب مالکيت خصوصي بر ابزار توليد فراهم نشده ، يعني در حالي که هنوز - روايه و سومايه - داري برقرار است ، احتضاري کن که کارگرماني حق استصحاب و اعتراض خواهند داشت . او قبل از خلق بلد از سومايه ، طبقه کارگر را از نظر مبارزاتي خلق صلاح ميکند و از هم اکنون قبول ميدهد که مانند اسلات و شکسته مردم سايران کارگري را اخلاص در توليد خواهد ساخت و بسا " تمام نيرو" آنها در هم خواهد کوييد . راه کارگر درست مانند هر حزب پرزواني که بر دوش خود دعا و با غضب انقلاب آنان به قدرت ميرسد ، از ابتدا " انقلاب" و "حاکميت نوده ها" را دستاويز حمله به طبقه کارگر قرار ميدهد . کارگران بايد ايس رجز جوانپسهاي صريح راه کارگر را صيقل بياور کنند و قداره پندان حزب اللهی فردا را از هم اکنون بشناسند . آفابان گويان فراموش کرده اند که درست همين استدلال و همين روش چهار سال است که فلاک و بين حقوقي بي سابقه اي به طبقه کارگر ايران تحييز کرده است ، گويان فراموش کرده اند که درست همين استدلال و همين روش ، شاهي هويت نيروهاي پرزواني امم از آمريکايي و اروپايي و روسي و چيني و وطني است ، و گويان فراموش کرده اند که طبقه کارگر ايران و حزب کمونيست او امروز درست براي برچيدن پساوت مفلغيي و بد افعال و جرميان همين استدلال و روشها صغوب خود را فشرده ميکنند . يا سخ شوربيست

جریلات راه کارگر در مورد توجه داخلی جوانان را ما سه سال قبل داده ایم و اینجا به این رهنمود حیرت خواهانه براد "نوده" پرزواها و شبه انقلابی امروز و باند سپاهی های فردا اکتفا می کنیم که آفابان باور کيبد ، طبقه کارگر ايران درونسا و شعاري را که از بين صدرها رفته استي همسا نيد يروف ، از حکومت خلقی انقلابی راه کارگر و شرکا نیز نخواهد پذیرد .  
 واقعيت اينست که موضع خصمانه راه کارگر در برابر برنامه حزب کمونيست ، کاملاً براي ما قابل انتظار بود . تجربه يکسال پير از انتشار برنامه حزب کمونيست امروز به روئس سخا اين پيش بيني کنگره اول اتحاد ساربان کمونيست را اثبات کرده است که :

" دوره نوس به حکم شرايط ايس و به اعتبار جوهديت يك جريان حريم محرم و دود و رتسد پرزواني تحت پرچم برنامه حزب کمونيست ، تعال سافتن و جرميات و نيروهايان متفعل ، هر دو و سياسي مدعي مارکسيسم را باکريز خواهد ساخت تا يايه جنبش جزير مارکسيسم انقلابي پيوندند و يا در مقابل آن قرار گيرند و به اين ترتيب به زير ششم تيم نسايدگان روزروئيس رانده شوند . دوره نوس ناظر به شکل گيري و وقت حسيب کمونيست و دشمنان روزروئيس حزب کمونيست است . اين پروسه هم اکنون آغاز شده است ."

( نقل از قدهسانه در باره موقعيت جنبش کمونيستي و دورنيای تشکيل حزب کمونيست ، مهر ۱۱ )

اکنون تا آنجا که به راه کارگر مربوط ميشود ، آيا درست تر اين نيست که بگوئيم ، اين پروسه ديگر به فرجام رسيد ، است ؟

## “آلترناتیو” آقای رجوی برای کارگران بیکار :

از جامعه بی طبقه توحیدی و قسط و عدل استثنایه خفون به صرفه نیست و در بازاریابی - سیاسی سیاست خریداری ندارد . و بنابه بیان سیاستمداران نکه منج و کارکنان دریافت است که سخن گفتن از چنین ایده هائی ، حتی اگر بی نهایت روز جهانی طبقه کارگر هم باشد ، نهایت بی احتیاطی و بی حرمتی سیاسی است .

پس اگر آقای رجوی ، تنها آلترناتیو اسلامی آیت الله خمینی ، به همان چشمی به نیروی کار کارگران نگاه می کند که یک تاجر بازاری به کالاهای یاد کرد مو معطل مانده ، خود ، جای هیچ تعجب و حیرتی نیست . اگر ا و رساله بیکاری را ناشی از سیاست های خائنانانه شخص خمینی بداند و نه ناشی از ملزومات و نیازهای نظام سرمایه داری ایران ، نیازها و ملزوماتی که خمینی - همچون هر فرد و نیروی دیگری که بخواهد حافظ این نظام باشد - ناگزیرست تا به آن تمکین کند و پاسخگوی آن باشد ، اگر شکل آقای رجوی معطل ماندن ، نیروی بار آور کارگران است و نه نفوذ فلاکت میلیونها خانواده کارگری ، اگر از نگران حیات و استقلال اقتصادی و تولیدی میهن است و نه حیات و زندگی میلیونها انسانی که قربانی نظام سرمایه داری ایران اند ، اگر از نوید دهنده پیشرفت های بنیادین ایران است و نه پیشرفت مادی و معنوی در زندگی میلیونها انسان محروم و تحت ستم که هیچگاه نصیبی از پیشرفتهای بنیادین مام میهن ندانسته اند .

و ... بالاخره اگر آقای رجوی به یک دیپلمات بحثه ، حسابگر و واقع بین بورژوا تبدیل شد ماسه

آقای سعید رجوی سئول شورای ملی مقاومت رسانیده ، تازه نفع بورژوازی لیبرال ایران ، در بخشی از پیام خود بنسب اول ماه مه در مورد مسئله بیکاری و بیکاران چنین اظهار نظر کرده است :  
“ در همین جا ضرورت از ارتش عظیم و چند ملیونی بیکاران و از “کار بیکارشدگانی” نام ببرم که تحت سلطه حائنه و غد کارگری خمینی و جواهر رهبری ارتجاعی و سیاستهای ویرانگر اجتناعی و اقتصادی او ، با آوری و نیروی حلقه کار آنها محض مانده و در نتیجه حیات و استقلال اقتصادی و تولیدی میهن ما در تنایت خود به مخاطره افتاده است . نیروی عظیمی که در ایران آزاد شده بودند ، باید هر چه سریعتر در خدمت استقلال اقتصادی و سیاسی کشور به “کار” گرفته شده و پیشرفت های بنیادین ایران را تضمین نماید .” ( نقل از نشریه مجاهد شماره ۱۱۶ )

براستی که آقای رجوی آنچه را که باید از انقلاب بپا خیزد ، آنگزخته است ! “سئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران” از چهار سال نبودن بی اسان طبقاتی بین کار و سرمایه این درس را فرا گرفته است که باید از وارد یکالیسم بینابینی خود بترسند و سرمایه دست نشوند و در مقام “سئول اول شورای ملی بورژوازی لیبرال ایران” از زاویه شافع و صالح سرمایه به مسائل و مشکلات اقتصادی و سیاسی برخورد و موضعگیری کند .

آقای رجوی بعنوان یک بورژوا - لیبرال ، دنیا دیده ، خوبی درنگ کرده است که امروز دیگر با فشاری بر آرمان های شبه سوسیالیستی ، دوران جوانی ، به سینه رن سنگ مستضعفین و محرومان و دم زدن





اقتصادی میسر باشد. بهمان گند و رونق اقتصادی سرمایه داری یا سودهای کلان ۲۰۰ تا ۳۰۰ درصدی را شکوفائی تولیدی ایران آزاد شده مورد استفاده آفتابان جوزوا - آلترناتیو! باور کنید که از تاریخ عقب مانده آید و در برابر این گذشته ایستادگی دوران صدی ها و بعد الانصرها دیری است سپری شده است. دیگر نمیتوان هم وجهه انطه بود و همساز منافع سرمایه و سرمایه داری دفاع و ترواست کرد. انقلاب هر روز پیش از که شته مرزبندیها و قطب بندی های طبقاتی میان نیروهای سیاسی مختلف را بارزتر میسازد و کار را پیش از پیش میسازد نیروهای بینابینی سخت و مشکل میکند! انقلاب هر روز پیش از گذشته این واقعیت را برای توده های محروم و تحت ستم ایران آشکار و عریان ساخته و بسازد که تا آنجا که منافع و خواستهای - شش قوی و معطمی - آنان مربوط می شود سرمایه با حدی تحمیلی حیانتکار و حسابکار حتی توده ای از حیانت و جنایت رژیم سرمایه داری ایران کاسته نخواهد شد و شما نیزه آفتابان در این واقعیت هیچ تردیدی نداشته باشید که هر نیرو و نهضت سیاسی - هر چند خوشنیت و خوش سابقه - که نخواهد حافظ و پاسدار نظام سرمایه داری ایران باشد تاگزیر است به همان راهی رود که شاه و حشیش رفتند و به همان خیانتها و جنایتهاش تن در دهد که ایشان تن دادند.

جناب بنی صدر، بنده خود بیکار این تحریر را از سرگردانده اند و در دوران کوتاه ریاست جمهوری شان با "یا" کردن چکها و بنگار کردن آنها بک دردمند ارقام عظیمی از آنرا هیچ - از هر طرف - از نگرده اند.

سایر اعضای شورای ملی مقاومت نیز باید خود

از نظر ما مسئله ای کاملاً قابل فهم و درک است. بالاخره هر چه باشد در معادلات بین الخلیس قدرت و در پیشگاه نظم های جهانی آلترناتیو ساز و آلترناتیو شناس این موضع گیرها حساب می آید و ثبت میشود و اگر تنها آلترناتیو جوزوا - اسلامی حشیش چنین ملامقتی را بحساب نمی آورد و چنین مواضعی را اتخاذ نمیکرد جنایت حیرت و تعجب می بود اما ۱۰۰۰ در همین جنایت ضروری است که ما هم خطاب به شورای ملی مقاومت و مسئول محترم آن پیامی فرستیم.

جناب مسعود رحیمی!

شما سکر است بنویسید که جنابان تنها جنابان سرمایه داری ایران مقام خود را در نزد قطبهای جهانی دینفع و دینفعون تثبیت نمایند اما مطمئن باشید که با ادامه راه و روشی که در پیش گرفته آید در نزد کارگران و رحمتکنان ایران سرسوزنی نموند و اعتبار نخواهید یافت. انقلاب ایران و پیش از آنکه نیروهای بینابینی را بر سر عقل آورد و به مکان و جایگاه واقعی طبقاتی شان عقب برانده به کارگران ایران دربر آورده و آنان را تا سطح آگاهی بر منافع و اهداف مستقل و کسب نفس و مکان واقعی طبقاتی شان ارتقا داده و به جلو رانده است. طبقه کارگر ایران چهار سال است که تحت شعارهای مراهیانه ای چون "فداکاری در راه تأمین استقلال اقتصادی ایران" کار و تلاش در راه شکوفائی خودکفائی صنعتی و تولیدی میباید تولید کنی جانم و میسر در حضرات و خرمیلاتی از این قبیل و وحشیانه توبی جنایتها و کیفیت شش خیانتها و زدن آنها را تحریر کرده است و از این پس به هیچ نیروی سیاسی و سیاسی شد ارضاء عریب دیگری اجازه نمیدهد که گشادی حیب سرمایه داران را در پیش شعار ظاهر العیال "تابی و استغلال



## بیانیه در مورد پیوستن سازمان کمونیستی پیکار به اتحاد مبارزان کمونیست

نماندگی میشد نزدیک شوم و از سون دیگری سر  
کوشیدیم تا بنامه بعضی از سازمان پیکار و سا  
تکیه بر میراث سیاسی و تشکیلاتی این سازمان به  
یک موجودیت سیاسی - تشکیلاتی مستقل به یکت  
پیکار کمونیست تبدیل شوم - تا بحواستیم  
مارکسیست انقلابی باشیم و آنکه عرصه ها و  
مستقبا سازمان های سیاسی مارکسیست انقلابی  
ایران را بنامه پیشروان و پیششاران این جریان  
طبقاتی به رسمیت بشناسیم و نفرت ملی این  
سازمان ها را وظیفه خود بدانیم - بدیهی است  
که این دو گرایش متحد در بقای پروولتاریت در  
منطق ایدئولوژیک و برنامه ای در میان ما ریشه  
داشتند و انعکاس فاصله من شده ای میان ما و  
مارکسیست انقلابی ایران در منطق ایدئولوژیک و  
سیاسی بود - از سون دیگر همین القسط  
ایدئولوژیک و جدائی طلبی و ستارسی سازمانی  
امکان میداد تا سازمان ما خود به شکر جدیدی  
برای مقاومت پروولتاریت در اشکال جدید در برابر  
مارکسیست انقلابی و بطور مشخص در برابر گروه  
اتحاد مبارزان کمونیست در ایجاد ایدئولوژیک و  
سیاسی و تشکیلاتی بدل شود .

اما اگر ما توانستیم تا برخورد های تدریجی  
میان برنامه حزب کمونیست و راستی به نحوه ای  
تدریجی و گام به گام و همدا انحراف و قابل ایجاد  
از نظر ایدئولوژیک - سیاسی به ستارسی  
مارکسیست انقلابی ایران نزدیک نمیم و نهایتاً  
حمایت خود را از برنامه حزب کمونیست با -

پیشروی های مارکسیست انقلابی ایران پس از  
کنگره دوم کوه که در آن برنامه حزب کمونیست به  
تصویب رسید و انتشار یافت و بطور مشخص  
صدمات کنگره اول اتحاد مبارزان کمونیست و پس از  
آن نقشه عمل و اقدامات کبته برگزار کننده کنگره  
موسس حزب کمونیست ایران، سازمان کمونیستی  
پیکار را که ( هر چند نتایج احیای خود را از  
برنامه حزب کمونیست اعلام نموده بود و شش و در  
حرفی متعلق به مارکسیست انقلابی ایران میدانست  
شخصاً با این سؤال روبرو نبود که آیا این  
تشکیلاتی سازمان کمونیستی پیکار چیست و چه  
نسبیتی باید میان آن با کوله اتحاد مبارزان  
کمونیست و کبته برگزار کننده حزب کمونیست ایران  
ایجاد شود .

" جناح مارکسیست انقلابی سازمان پیکار در راه  
آزادی طبقه کارگر " که بعد به " سازمان کمونیستی  
پیکار " نامیر نام داده محصول بحران و درشتگی  
پروولتاریت در سازمان پیکار بود - سازمان ما محل  
تلاقی دو گرایش سیاسی - تشکیلاتی متحد بود  
که بناگرم به حرکت ما حملتی انتظامی می بخشید  
و انحرافات متعددی را به ما تحمیل میکرد - از  
یکسو ما خود را بر جبهه مارکسیست انقلابی در  
سازمان پیکار می دانستیم که وظیفه دارد بحران  
سازمان را شفع مارکسیست انقلابی و کمونیست فاصله  
دهد - به این اعتبار ما ناگرم میبایست -  
دستاوردهای مارکسیست انقلابی ایران که بطور  
شخص در کوله و اتحاد مبارزان کمونیست



بیشتری اعلام ناهنجاریه بیولیسیم در بعد سازمانی و بعضی سکتارسم و جدائی طلبی ما سببتم نقدی عمیق و صریح بود. این نقد از جانب کومله و اتحاد مبارزان کمیونیتی بجزه در شست های ما با رفقای از مرکزیت و سازمان و با نمایندگانی از کمیته برگزارکننده و بجزه در جلسات سببتم نقدمانی تدارک حزب صریحا در برابر ما قرارگرفت. ما این انتقادات را حقیقا پذیرفته ایم. رفقای ما در این نشست ها و بجزه در سببتم به حصلت بیولیسیتی و حرد و بیولیسیتی روش ما در پندیسریش تدریجی مواضع برنامه ای مارکسیسم انقلابی. به سکتارسم خود و جدائی طلبی و مساوات طلبی غیر اصولی ناشی از آن که در طول تاسهای چند ماهه خود در نیال کومله و ا.م.ن. انعقاد کرده بودیم و حقیقا پس بردند و صریحا این دیدگاهها و شیوه ها را محکوم کردند.

ما با توجه به آنکه فلسفه وجودی اولیه ما بعنوان جریانیه که وظیفه تاثیرگذاری بر فلبندی های درونی سازمان پیکار را مقابل حسو د گذاشته بود دیگر متغیر شده است. با توجه به نقش یشتازی که اتحاد مبارزان کمیونیتی و کومله در حرکت مارکسیسم انقلابی ایران داشته و دارند و با توجه به آنچه فوقا در باره حصلت بیولیسیتی عملکرد های باز دارند و مغرب سازمان حسود پدان اشاره کردیم و ادامه حرکت مستقل سازمانی خود را بعنوان اقدامی سکتارستی و ضربسرای مارکسیسم انقلابی ایران ارزیابی کردیم. از ارسود رفقای مرکزیت سازمان کمیونیتی پیکار نظریه مجموعه عوامل موق و با توجه به اینکه در فعالیت سازمانی سود اساسا از نظریات مدون ارگانهای سراسری فظمنامه های کنگره اول اتحاد مبارزان کمیونیتی تبعیت کرده و س کیم و نظریه سردیکی های

موجود در مرمه های فعالیت عملی و بیولیسیتی سازمان کمیونیتی پیکار به اتحاد مبارزان کمیونیتی را اصولی ترین وظیفه تشکیلاتی سازمان تشخیص دادند.

این تصمیم و نیر انتقاداتی که به عملکرد های ما کنونی تشکیلات ما وارد بوده است. با رفقای تشکیلاتی مطرح شد و مورد تأیید قرار گرفت. مساه در آینده سعی خواهیم کرد تا بروسه حرکت سازمان کمیونیتی پیکار و انتقادات وارد به آن را تا مقطع بیولیسیتی به ا.م.ن. در نوشته ای دیگر بصورت تفصیلی منتشر سازیم و جمع بندی و تجارب آنرا در اختیار جنس قرار دهیم.

به این ترتیب، سازمان کمیونیتی پیکار بیولیسیتی خود را به اتحاد مبارزان کمیونیتی اعلام میدارد و کلیه فعالین و هواداران خود را به سازمان یابی با اتحاد مبارزان کمیونیتی بر سنای برنامه حسرب کمیونیتی و اساسنامه این سازمان و فعالیتت در چارچوب تشکیلاتی آن فرا می خواند.

ما ایمان داریم که علیرغم تمام تلاشهای ضد انقلابی بیولیسیتی در جهت سرکوب انقلاب و جنبش کمیونیتی، امروز در سنای امید بخشی در بینشاپیش مارکسیسم انقلابی ایران گسترده است و با تمام توان در چارچوب تشکیلاتی جدید خود دوشادوش همه رفقای کومله و اتحاد مبارزان کمیونیتی در راه حرب کمیونیتی ایران و سوسیالیسم فاطمانامه خواهیم جنگید.

کمیته مرکزیت سازمان کمیونیتی پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - فروردین ۱۳۶۲



## مارکسیسم انقلابی حزب رنجبران را می شناسد

رفقای ۲۰ کارگر کمونیست!

اطلاعیه کیهت برگزار کننده کنگره موسس حزب کمونیست (ک.ب.ک) بتاريخ اول اردیبهشت ماه خطاب به نیروهای سیاسی که در کارگر کمونیست شماره ۲ تیر به چاپ رسید، شوالا و ایهاماتی را برای فعالین کمونیست سبب شد. محور اصلی این شوالا و ایهامات، خطاب قرار گرفتن خصوصاً موسس حزب رنجبران، در این اطلاعیه است. با توجه به سابقه برخورد مارکسیسم انقلابی و مواضع رسمی و اعلام شده در پیرامون حزب کمونیست نسبت به حزب رنجبران، بنظر من رفقای ما حق بودند که در ک.ب.ک، توضیح بینرود، راجع به این اطلاعیه بخواهند. توضیح رسمی رفیق مهدی و دانشجوی ک.ب.ک (که چند روز پیش از وادی یهودان انقلاب ایران نیز خوانده شد تا حدود زیادی به پردهشها و ایهامات در این مورد پاسخ میداد) اما بنظر من ک.ب.ک، میتوانست اولاً با تنظیم بهتر اطلاعیه (از قبیل حذف "رفقا!" در خطاب به کیهت مرکزی حزب رنجبران و...) و ثانیاً انتشار همزمان نشریه ای از مواضع مارکسیسم انقلابی نسبت به حزب رنجبران، از پیش مانع ایجاد هر گونه ایهامی گردند. من در این نامه به اختصار روش مواضع و نظرات مارکسیسم انقلابی را نسبت به روزنیویسم به جهانی و حزب رنجبران یادآوری میکنم و فکر میکنم درج آن در ک.ب.ک در خدمت اهداف ک.ب.ک باشد:

۱) حزب رنجبران متعلق به یک جریان بین المللی بورژوا - امپریالیستی است. روزنیویسم به جهانی در دهه ۶۰ میلادی، پس از اشغال حزب کمونیست چین اراد و نگاه شوروی، جریان موسوم به "تائوئیسم"

آنچه در زیر بنیوانید، نامه ایست که یکی از اعضای اتحاد مبارزان کمونیست در رابطه با اطلاعیه کیهت برگزار کننده کنگره موسس حزب کمونیست خطاب به نیروهای سیاسی، و در توضیح مواضع مارکسیسم انقلابی است به حزب رنجبران برای ما ارسال داشته است. در مورد نظرات طرح شده در این نامه لازمست دو نکته را توضیح دهیم:

اولاً، برخورد به مواضع نیروها و سازمانها از وظایف کیهت برگزار کننده نیست و این کیهت نمی تواند است به استار نظرات مارکسیسم انقلابی در مورد حزب رنجبران اقدام کند. این وظیفه جمعیته سازمانهای مارکسیسم انقلابی مراد دارد و ایست سازمانها نیز تا کنون از برخورد انتقادی و استارگانه به حزب رنجبران و جزو روزنیویسم به جهانیست فرورنگار کرده اند.

ثانیاً، بن شک، همانطور که رفیق اشاره کرده است، تنظیم بهتر متن اطلاعیه کیهت برگزار کننده ممکن بوده، اما بنظر ما از آنجا که معنی تفاوت و اختلاف ایدئولوژیک - سیاسی مارکسیسم انقلابی با روزنیویسم به جهانی بر کتر کسی پوشیده است، حزبیات مبارات و جمله حدیهای یک اطلاعیه کوتاه خطاب به حزب رنجبران - که من آن برای نیروها و سازمانهای دیگر نیز ارسال شده است - نمی تواند و نباید چندان باعث ایجاد ایهام و سوء تفاهم گردد.

صرف نظر از نکات فوق، کلیه مفاد نامه رفیق اینجور مورد تأیید است و از همین رو متن آن را بطور کامل منتشر میکنم.

دو اندیشه حول حزب کمیونیت چین شکل گرفت و در ادامه دهه ۷۰ با پیوستن آشکار حزب کمیونیت و دولت چین به بلوک بندیهای پرالیسی از دل جریان "ماوتسه دون اندیشه" روزیوئیسم به جهان پدید آمد که یک جریان آشکارا ضد کالگری و ضد کمیونیتی و ایزاری برای سیاستهای ضد انقلابی و بورژوا - اپرالیسی دولت چین (و متحدش امپریالیسم آمریکا) است.

۱۲) این جریان جهانی، حتی پیش از آنکه در شکل شورای روزیوئیستی به جهان ماهیت بورژوازیستی منحصر باز یابد، تجدید نظر در مبانی تئوریک و اصول برنامه ای مارکسیسم را آغاز کرده بود. از نشان دادن متافیزیک بجای ماتریالیسم دیالکتیک، نشان دادن نقد ترسعمیانگنکی جهان سوم بجای نقد انقلابی و پیگیر مارکس از زیربنای جامعه سرمایه داری، و تضعیف آرمان جهانی سرمایه ایسم به "کشور نیرومند و پیشرفته" باید عنوان نمونه های تجدید نظر در مولفه های اساسی مارکسیسم یاد کرد. همچنین نفس انترناسیونالیسم بولشوی و تبلیغ سطح ترین نوع ناسیونالیسم (ناسیونالیسمی که همه "حمایت" از بورژوازی کشور خودی محدود میشود بلکه اساسا پرولتاریا و سایر زحمتکشان را یکسره بدل به عامل اجرائی اهداف بورژوازی مینماید)، نفس ضرورت استقلال نظری و عملی پرولتاریا (مقدم کردن شافع "خلق" و "وحدت صف خلق" بر شافع پرولتاریا) مقدم کردن "جبهه و ائتلاف" بر حزب طبقاتی پرولتاریا و (۱۰۰)ء فائل نبودن به ضرورت انقلاب اجتماعی بولشوی و نشان دادن "انقلاب دکراتیک سون" بجای انقلاب سرمایه ایست و نفس

ضرورت دیکتاتوری پرولتاریا و ۱۰۰ همه دهه نمونه های دیگری از روزیوئیسم نظری و عملی این جریان بین المللی در مبانی تئوریک و اصول برنامه ای مارکسیسم است.

۱۲) اساسا روزیوئیسم سه جهانی مبارزه طبقاتی بین المللی پرولتاریا را یغیایه نیروی محرکه تاریخ و عوامل اجتماعات غیر میکند و خطوط لگنی تئوری سه جهان بشری زیر است: دنیای امروز را سه جهان تشکیل شده است: جهان اول شامل دو ابرقدرت آمریکا و شوروی، جهان دوم شامل سایر کشورهای پیشرفته صنعتی یعنی اروپای غربی و ژاپن، و جهان سوم شامل سایر کشورهای جهان سوم. جهان سوم بخش انقلابی دنیای امروز است و استراتژی انقلابی (کذا) تئوری سه جهان اینست که جهان سوم نباید با جهان دوم علیه دو ابر قدرت متحد شود، و علاوه بر آن جهان سوم و جهان دوم نباید در اتحاد با امپریالیسم آمریکا علیه امپریالیسم شوروی مبارزه کنند. لازم به تفتیس نیست که چنین تئوری ای کاملا بیگانه با روح و نفس مارکسیسم است. حتی لرومی به تفصیل ندارد که "تئوری سه جهان" بر مبنای نیازهای سیاست خارجی دولت بورژوازی چین و خصوصا در ادامه نشانهای بین چین و شوروی بهم بافته شده است و پیش از آنکه در ریند حتی تطبیق صوری با آموزشهای مارکس و لنین باشد، در تطابق کامل با سیاست خارجی اساسا ضد شوروی دولت چین است.

اما اشاره ای به نتایج عملی و مکتبکی "ایسن تئوری بیفایده نخواهد بود: دولت چین و تبلیغ

زنده باد بلشویسم!



است و "سندیکا بجای شورا" در پیروجه مبارزات کارگری و جنبش شورایی، مبلغ تشکیل کارگران به حکومت و قانون آل شد. در جنگ ایران و عراق، مواضع شورونیسش حزب رنجبران گوی سبقت را حتی از ملنگان رسمی رژیم بود تا آنجا که محور سیاست های کارگری او، "فراخواندن کارگران به شرکت در جبهه جنگ ضد موافقان از میهن" گشت. در قبال جنبش انقلاب خلق کرده کارنامه رنجبران سپاهتر از موارد دیگر است. نه تنها پیروش سهفانه رژیم را به کردستان در ۲۸ مرداد ۵۸، مورد تأیید معال و بر شور حزب رنجبران فرار گرفت، بلکه رنجبران همدان با رژیم در گاهی بیشتر از اولت کرد را ضد انقلاب نامید و پیشروان زحمتکش آگاه او را ایادی پالیریان و اویسی و دیگر طغیان طلبان خواند.

اما سیر فرارگرفتن حزب رنجبران در ابوزیسیون جمهوری اسلامی قابل ملاحظه است. نخست حزب رنجبران از رژیم و تمام جناحهای آن (از نخستین امام خمینی گرفته تا روحانیت مترقی و البته پیروان ملی و مترقی) حمایت کامل میکند. اما بدینجای رسیده خود رقیب خود یعنی حزب توده در جناح با اصطلاح خط امام، رنجبران ایدش را به جناح لیبرال و در رأس آنها رئیس جمهوری بنی صدری - پندد و در زمینه کپ اعتماد و حمایت متقابل کاملاً موفق است. حزب رنجبران تبدیل به مشاور رسمی بنی صدر میشود و سازماندهی و هدایت دفتر ریاست جمهوری (یعنی تشکیلات حزبی بنی صدر) را برعهده میگیرد و تمامی امکانات و سیاستهای حزبی خود را در جهت پیشبرد نقشه هائوسیانهای بنی صدر قرار میدهد. پس از وقایع ۲۰ شرداد و با رانده شدن جناح بنی صدر از حکومت، بنا به جبر وقایع و تحولات سیاسی، آخرس پیوند های

او کلیه احزاب و حرمانات سه جهانی از مرتجعترین احزاب پیروان آزادی بزرگ و سیاستهای خارجي و داخلی ضد کارگری و ضد انقلاب آنرا نظیر حزب محافظه کار انگلستان، در کشورهای مترویل حمایت میکند. در کشورهای تحت سلطه هر قیام و جنبش ضد آمریکائی (از آنجا که بزم دولت چین میزبان بود پیرو - پرورداری شوروی قرار گیرد و با موقعیت آمریکا را در خیال شوروی تضعیف میکند) از نظر جریانات سه جهانی محکوم یا دست کم مظنون است. حمایت از جبهه فائیسینی یونان - که ساخته دست رژیم نژاد پرست آمریکائی جنوبی است - تأیید سرکوب قیام ایالت نیبا علیه حکومت رژیم توسط نیروهای نظامی امپریالیسم فرانسه و بلژیک، حمایت از سلطان قابوس عمان و تأیید سرکوب جنبش خلقی طغیان توسط نیروهای امپریالیسم انگلستان و ارتش شاهنشاهی ایران، تأیید و کمک به سرکوب خلقی آنترو (البته تا پیش از کودتای طرفدار شوروی در اتیوپی) و شش از خروار موضعگیری های چکبیر بین المللی سه جهان است. برنامه حزب کمونیست بدرستی و به روشنی اعلام داشته است که: "امروزه چین به اردگاه ضد انقلاب امپریالیستی جهانیان تعلق دارد و پرچمدار نقطه انکار روزنویسیم سه جهانی و در رکار امپریالیسم آمریکا عمدتاً مدافع مریان ترین اشکال ارتجاع پیروان است" (برنامه حزب کمونیست پند ۱۱)

۱) عملکرد حزب رنجبران در دوران انقلاب و در چهار سالی که ارتاسیس این حزب میگذرد، یکسره کارنامه خیانت به طبقه کارگر و انقلاب است. در جنبش کارگری رنجبران نخست محوری افشیماری سیاستهای ضد کارگری فروهر اولین وزیر کار رژیم خمینی است. رنجبران سپس با شعارهائی از قبیل "اعتصاب به صلاح کشور نیست" و "اعتصاب چپ روی

حزب رنجوران با حاکمیت و رژیم بی‌ریگسند.  
 سایرین روشن است که در اینجورین فرارگوشن  
 در حقیقت سببوتش است که طبعیوم تلاش ماند فانه  
 حزب رنجوران به از تحویل شده است.  
 ۵) همچنین توجه رفقای کمپون که با این کسب  
 چنان می‌کنم که با انحلال حزب نوده و دستگیری  
 سران بده آنکه از سوی رژیم جمهوری اسلامی  
 بهترین مانع از سر راه حزب رنجوران برای سرک  
 اجتناب از زور و ترس و باره و حمایت رژیم  
 حرمین است. اینجورین رفته است. اینکه رژیم اسلامی اکنون  
 باریک‌بینی در حزب رنجوران داشته باشد البته  
 چند آن‌هاست که باید متظر بود با حزب  
 رنجوران بشاید دیگر آسائوس بهم نمی‌رسد را  
 بیارند.

۱۰) زنده باد مارتنسیم افلاسی!

زنده باد حزب کونیستی!

۱۳۱۱/۲/۱

ایمن آ. بی

دارد و ضروری و بجا دار است از شاخص هیت داری  
 این کونیست‌هاست. تثبیت اعلام شیطنت و بی‌سبب  
 جمهوری اسلامی یعنی اعلام می‌باشد که بی‌اطمینان  
 این مبارزه مبارزه در راه انحاء نظام سرمایه داری  
 در من آن و با توجه به آن باید دید بده و نده  
 یعنی است مربوط به اشکال و نظریه‌ها و راه‌ها  
 این مبارزه و نه مربوط به ضرورت یا امکان این مبارزه  
 بنابراین ما ضرورت تحویل و بررسی و سنجش و سنجش  
 و تبلیغ در این مورد را از منته و معدن که امر که  
 انقلابی‌شان تا پس از تبلیغ و با استغفار رژیم  
 جمهوری اسلامی است نتیجه ترسیم جنبه مبارزه  
 بوجود ما با این دسته از رفقا یعنی همیور غیر  
 اساسی تر بر سواصل و مبنای انقلابیگری کونیستی  
 است. به خصوص در شرایط حاضر یکی از علل اساسی  
 بقیه در صفحه ۳۰

تا نقل دین را بر همه حزب کونیستی و مارتنسیم

رژیم کونیستی یک پدیده بین‌المللی است و با

بقیه از دهه ۴۰  
 سازماندهی آن امر آسان تا حدی استمرار موجودیت  
 بده رژیم و همین دلیل یافته است و خود را کونیست  
 بینامد و با این حال از وسایع مبارزاتی شان بجهت  
 شرایط نبود و با ترسیدن یک رژیم همین بسنگ یافته  
 است و طبیعا همین کسانی درک کامل محدود و  
 انحرافی از کونیسم و انقلاب کونیستی دارند.  
 برای یک کونیست سوسیالیست رژیم جمهوری اسلامی و  
 از آن پیشتر. بر مبنای جمهوری دموکراتیک انقلابی  
 تنها یک ناکلیت در امر مبارزه عظیم و تاریخی است  
 است که در من و فرار و دستکاری برولتانس و  
 استقرار سوسیالیسم است. مبارزه‌ای که مورد توجه  
 این است که دولت بورژوازی و این با آن تصور  
 مبارزه است. دارند بلکه همواره و تا آنجا کسب  
 انتشار دارند کارگر و نظام سرمایه داری وجود

# پاسخ به نامه ها



رفیق سر برای ما نوشته اند که:

"من در این مقاله (تعلیق - پروسه) مدتی در کارگر کمونیست شماره ۶ آنچه را که می بینم عدم اشاره به بعد با جنبه دیگر تعلیق پوپولیستی می باشد. شما بنظر من به خوبی جنبه دنیا لهر و یا پس تعلیق پوپولیستی را بیان داشته اید ولی به جنبه دیگر آن یعنی آکا دمیسوم توجه نکرده اید. پوپولیستی اشاره ای نشده است و شاید هم پیدا شده من نادرست باشد. بهر حال صحیح میدانم اگر برداشتم هم نادرست باشد آنرا مطرح سازم."

رفیق سر - ما را این که آکا دمیسوم در تبلیغات هم جنبه ای از سبک کار پوپولیستی است کاملاً با شما موافقم. آکا دمیسوم روی دیگر سکه "دنیا لهر" و وجه مکمل آنست. اما با این همه آکا دمیسوم به اندازه عملت و جوهر تبلیغات پوپولیستی نیست. یعنی آن وجه عمده انحراف رایج در جنبش پوپولیستی است که "بهاری از فعالین جنبش ما آگاهانه ما ناسا - آگاهانه و بوجوب نیروی عادت از آن بهره‌روی میکنند و تاکنون به امر انداختن کمونیسیم و جنبش پرولتاری ایران بسیار ضربه زده است کمتر آکا دمیسوم و بیشتر تمکین به خود بخودی و واقعیات موجوده با بقول شما دنیا لهر و یا پس بوده است. و به همین جهت نه پوپولیستها تحت عنوان "واقع گرائی" و "عمل گرائی" و نه "اصولی گری" و "فشار داری به نظری" از همه تبلیغات خود دفاع میکنند و در مقابل به منتقدین خود در چپ "آکا دمیسوم" و "نهنگی گری" میزنند. به عبارت دیگر نمیتوان گفت که دنیا لهر و تمکین به واقعیات عمیق

ترین و در عین حال قابل توجه ترین وجه انحراف پوپولیستی در تبلیغات را متصص میکند.

از اینرو مقوله تبلیغ - پروسه متصصاً جمله به این انحراف عمیق و نشوونما شده در جنبش ملزای خود قرار داده است و در این معیار به بررسی آکا دمیسوم در تبلیغات "راه لازم و ضروری نموده است. اما بی گمان نقد جامع و همه جا به سبک کل پوپولیستی مستلزم برخوردی به آکا دمیسوم در تبلیغات "هم هست."

رفیق مینا در نامه خود ضمن توضیح این نکته که امضای آنرا تیوهای بیوزاشی رژیم جمهوری اسلامی بهترین کمال برای ارتقا آگاهی سیاسی طبقه کارگر است. بر امضای نیروهای سیاسی بیوزوا - امیرالیست تاکید کرده و نوشته اند: "در توضیح کارگر کمونیست ۰۰۰ مریدی با بیوزوا از طریق امضا بدین آئی آن مرید در رابطه با جهاد پس خلق و شورای ملی مقاومت صورت میگیرد نیروی که برای کارگران میسوزند از تلقی کارگران از آن به طور کلی بی تفاوتی است. در پایه بسوزگ و نباید گمان معال و موجود آن عملاً به تراوش سپرده شده اند چرا؟"

رفیق مینا مبارزه علیه نیروهای سیاسی بیوزوازی، پرولت و احزاب آشکارا بیوزوا - امیرالیستی در عین با مبارزه آشکاره با بر طبقه جهادین خلق و در سطحی کاملاً متفاوت جریان دارد. دسته اول دشمنان عریان انقلاب ایرانند. ما در برنامه حزب کمونیست موضع حزب طبقه کارگر را در مقابل این نیروهای نظام کهنه روشن کرده ایم. انقلاب ایران اساساً علیه این نیروهای طبقاتی شکل گرفت و قیام بهمین. با تمام عظمت خود. قیام علیه این نیروها و احزاب سیاسی طبقه بیوزوا بود. مبارزه ما با





بیرویان در مقابل وظایف متعدد و خطیری که برای خود فائیم، باسجکونی مسائل معینی را بسا توجه به اهمیت، ازسویت و بیرویت آنها در برابر خود قرار ندیم. و نظاره های اخیر کارگر کمیونیت بخصوص بیس چنین برآوردی است.

اما راه دیگری که که بنظر ما میباید کارگسر کمیونیت را درگسترش و تکامل خود یاری رسانده همکاری معالتر خوانندگان با شوبه است کسه امیدواریم با آدرسی که اخیرا در اختیار خوانندگان شوبه گذاشته شده است توین بیشتری در اجسام همه جانه وظایمان داشته یانیم.

ما در اینجا مریب را معتم بشماریم. و بپسه بکته ای که شما بطور بیس در نامه تان به آن اشاره کرده اید، بپردازیم.

شما نوشته اید: «امروز هرکسی ویا بهتر بگویم هر رفیق برای خود یا توجه به برائتی که دارد از وضعیت هیات حاکمه تحلیل دارد.» بکن معتمد است رژیم تثبیت شده است و در این رابطه تعدادی در چار بریدی و یاس میشوند و دیگری برعکس دچار حوشینی شده و به رژیم کم بها میدهند و میگذرد در حال برنگونی و لیزان است و این خود چون بسا واقعیت منطقی است در ادامه خود آنها را دچار رنگ و سرخوردگی میساید.

در اینکه کمیونیسها باید تحلیل همه جاییه و دقیق از بوعیت رژیم در تخاص بین انقلاب و ضد انقلاب داشته باشند و ناکنیکها و سیات های فعالی در مجال آن اتحاد کنند. ضمنا جای هیچ بخش نیست، اما آن افراد و رفقا که خود را کمیونیت بینامند و در عین حال تمام آلمان خود را به سرنگونی رژیم جمهوری اسلام گاهش داده اند خود را سوسیالیست و دشمن نظام سرمایه داری

آنها در سطح افشاکری نیست، بلکه مبارزه ای فبر- آمیز و خونین است. **افشاکری** کمیونیت ها نیز در نیتقا از اینرو باید برجاهدین خلق و نیروهای با بیکریا بوزسویون مترکز شده که اینگونه برائتات مبارزه بیولتاریا علیه بوزواری و نیرو دسکراسی اغلابی علیه ارتجاع و استبداد اسپالیستس در ایران را به انحراف میکشاند. هدف افشاکری ما حفظ استواری و قاطعیت صف دسکراس اغلابی و استقلال طبقه کارگر در ایران است و بدین است که باید بر نیروهای مترکز شود که در بوعینسی مزار دارند که این استواری، قاطعیت و استقلال را سطردن کنند.

رفیق شیوا در نامه خود بر نقش کارگر کمیونیت بعنوان ابرار رهبری سیاسی خوانندگان بطور عام و تشکیلات بطور خاص تاکید کرده و گویود ما در توانم کارگر کمیونیت در اجرای چنین نقشی را سگسر شده اند. رفیق شیوا بخصوص تاکید داشته اند که محدودیت مباحثات سیاسی و مباحثات مربوط به جنبش کارگری در کارگر کمیونیت همراه است که کارگر کمیونیت توفیق همه جاییه ای در بواگونسی به نیازهای سارزه طمعانتر و در انجام وظایف بطور حه در سرفاله شوبه شماره ا خود ندانسته است و بیس رفیق مسائل محتاجی را برشمرده و خواسته اند تا کارگر کمیونیت آنها را در دستور خود قرار دهد.

رفیق شیوا!

ما خود بدین کمودها واقف هستیم و نامسه ستولانه شما ما را در رفع نواقص کارگر کمیونیت بشم تر میسازد. اما همچنان که خود بدان توجه کرده اید ما کوشیده ایم تا با توجه به محدودیت

خبری درباره

## انتشار برنامه حزب کمونیست و نشریات ما به زبانهای خارجی

کرده است و ما دست رفقای هوادار کمونیست در اروپا را برای این تلاش ارزنده شان به گرمی میفشاریم و امید داریم بتوانیم در آینده گوشه های دیگری از فعالیت این رفقا را در نشریه کارگر کمونیست شعکر کمین

بعلاوه لیست نسبتاً جامعی از آثاری از اتحاد مبارزان کمونیست که تا امروز به همت رفقای خان کسور به زبانهای مختلف اروپائی ترجمه شده است نیز بدست ما رسیده است که ما آن را برای اطلاع خوانندگان کارگر کمونیست درج می کنیم :

امیرا مطلع شدیم که برنامه حزب کمونیست توسط رفقای هوادار اتحاد مبارزان کمونیست در خاندان به سه زبان انگلیسی، آلمانی و فرانسه ترجمه و منتشر شده است و مورد استقبال زیادی قرار گرفته است. به این ترتیب با کمال خوشحالی باید اعلام کنیم که امروز برنامه حزب کمونیست به زبان (فارسی و کردی علاوه بر زبان های نو) در دسترس کارگران و زحمتکش و انقلابیون جهان قرار دارد. ترجمه و انتشار برنامه حزب کمونیست و سایر آثار مارکسیست انقلابی ایران در اروپا تا هم اکنون بخش مهمی در معرض جنبش ما در سطح بین المللی انقلابی

۱. کمونیسم (۱۰۲ ص)
- منصور حکمت، حمید نقوائی (ناشر)
- ایرج آدرین (هوس) (۱۰۲)
۱. کمونیسم (۱۰۲)
۱. کمونیسم (۱۰۲ ص)
۱. کمونیسم (۱۰۲ ص)
- انگلیسی
- فصل اول: ایمن آدرین، شعور حکمت، غلام کشاورز
- فصل دوم: منصور حکمت، ایمن آدرین، غلام کشاورز
- انگلیسی
- منصور حکمت
- منصور حکمت (۱)

- ۱) برنامه اتحاد مبارزان کمونیست
- ۲) انقلاب ایران و نقش پرولتاریا (خطوط عمده) ۰۰۰۰
- ۳) تهاجم عراق و وظایف ما
- ۴) اتحاد مبارزان کمونیست چه میگوید و برای کدام نظام سیاسی مبارزه میکند
- ۵) اول ماه مه و وظایف کارگران ایران
- ۶) بیانیه ۲۸ مرداد
- ۷) روشنگار، راه کارگر، جدال پر سر، تحقق سوسیالیسم خلقی
- بحث درباره محتوای پیروزی انقلاب دیکتاتین در ایران
- ۸) اسطوره پیروزی ملی و مترقی (۱)
- ۹) اسطوره پیروزی ملی و مترقی (۲)



		۱۰. یوزلیسم در برنامه حد اقل: نقدی بر "فدائیان خلق چه می‌کنند"
(۰-۱)	منصور حکمت	۱۱. جنگ، شعری و "شعری چند"
(۰-۱)	منصور حکمت	۱۲. سوسیال شوینسم: روزنامه‌ها، بنابر ترجمه کار...
(۰-۱)	ن. بجارود	۱۳. آثار کو باسیفیس: بینکار با منسیر چوپین
(۰-۱)	ب. پرتو و ... - مجاهد	۱۴. درباره بیابان "تجاهم رژیم عراق و وظایف ما"
(۰-۱)	منصور حکمت	۱۵. دو جناح در صد انقلاب
(۰-۱)	منصور حکمت	پوزوا - امپریالیستی (۱۲ و ۱۳)
(۰-۱۰۲)	شیرداد اور	۱۶. مسئله زبان مسئله کارگران است
		۱۷. نقل‌نماها ها و اسناد کنگره اول اتحاد جماهیران کمونیست
(۰-۱)	م. ک.	۱۸. نظری به شعری مارکسیستی چمران و استنتاجانی درباره سرمایه داری و جامعه
		مسیحیه کتاب "دورنمای فداکت و انقلابی نوعی انقلاب"
(۰-۱)	منصور حکمت	۱۹. سه شیخ و سه جزیره سوسیالیسم طلعی ایران
	منصور حکمت در خدمت انتشارات ایران انگلیسی	۲۰. کمونیست‌ها و جنبش دهقانان پسران
	مقدمه: منصور حکمت م. فرهنگ	حل امپریالیستی مسئله ارتش در ایران
	نتیجه: منصور حکمت (در خدمت انتشارات ایران انگلیسی)	

بقیه از صفحه ۲۱ پاسخ ۰۰۰۰

پروز باسیفیس و روحیه یاس و سوخوردگی را غنیمت انکار و اعتقاد به این اصول و مبانی تشکیل می‌دهد. ما تا کنون در کارگر کمونیست، سری سوسیالیسم و کلاً در اساس و مفالاتی که درباره سبک کار کمونیستی منتشر شده است، از جنبه های مختلفی به این مسئله برخورد کرده ایم و در آینده نیز برخورد خواهیم کرد.

بقیه از صفحه ۲۶ هندار ۰۰۰

دهیم که خواسته ها و اهداف واقعی طبقه کارگر برنامه حزب کمونیست است. به آنها نشان دهیم که به هیچ یوزواش نباید دل ببندند. بلکه رهبران آنها کمونیست‌ها هستند و حزب آنها حزب کمونیست است. فقط در این صورت است که حتی هر شکست طبقه ریشه پیروزیهای بعدی ما خواهد بود.

پیروز زیاد مبارزات کارگران بر علیه قانون کاراسلام! زنده باد ۱۰ ساعت کار و آزادی امتصاب! زنده باد حزب کمونیست!

اگر ما کارگران آزاده کنیم  
همه جورخها از حرکت باز خواهند ایستاد

با نشرد کارگر کمونیست مکاتبه کنید!

کارگر کمونیست و مطالب و مقالات آن دارید .  
نامه های خود را از هر طریق که مناسب میدانید  
به این نشانی برای ما ارسال دارید :

BOX 3023  
14303 VARBY  
SWEDEN

با توجه به کنترل پلیسی دولت اسلام و لائسیت  
از نوشتن اطلاعاتی که میتواند باعث شناسایی افراد  
و یا اماکن آنها از طرف پلیس شود در نامه ها و  
روی پاکت ها خود داری کنید . همچنین بهترین راه  
برای اطمینان بیشتر از رسیدن نامه ها بدست ما  
از هر نامه دست کم دو نسخه ، بطور جداگانه ،  
ارسال دارید .

منتظر دریافت نامه های شما هستیم .  
هیئت تحریریه

کارگران ! مردم مبارز و انقلابی ایران ! خطرات و  
مطالب خود را درباره هر مسئله ای که تفرسی کنید  
بتواند به کارگر کمونیست در پیشبرد و طایفش کمک  
کند ، برای ما ارسال دارید . آنچه برای ما از اهمیت  
بیشتری برخوردار است دریافت نامه ها و مطالب  
شما در مورد این مسائل است . اول ، اخبار و  
رویدادهای مربوط به مبارزات روزمره توده های  
مردم ، مخصوصاً مبارزات کارگری علیه اشکال کونگسور  
ستم و استثمار و حیفان موجود .  
دوم ، معضلات و مسائلی که در زندگی و مبارزات  
خود با آن مواجه هستید و تجربیاتی که در ایس  
مبارزات کسب کرده اید .

سوم ، نظرات و پیشنهادهایی که در باره

ما باید از راه اعتدالان جو رعب و خفان به هر  
بهانه ای که باشد جلوگیری کنیم . ما باید با هرگونه  
دستگیری و هرگونه اخراج که پیشاپه رژیم صورت گیرد  
به مخالفت برخیزیم ، شعارهای صلاحیت اخراج با  
جمع عمومی کارگران است ، و آزادی بی قید و شرط  
زندانیان سیاسی را باید وسیعاً در بین توده ها  
طرح کنیم و آنها را با این روحیه آموزش دهیم  
که هرگونه دخالت پلیسی - نظامی رژیم ، هرگونه  
تخصیص گیری رژیم و ایادی اش در مورد اخراج بد و  
نهایت علیه کارگران خواهد بود .

نکته آخر را به تاکید بر این اصل اختصاص میدهیم  
که در دور جدید مبارزه بر سر قانون کاره آنچه که  
باید هدف اصلی ما باشد اینست که از دل ایس  
مبارزه طبقه کارگری آگاه تر و مستنک تر بیرون بیاید .  
ما باید در جریان نبرد فعالانه شرکت کنیم به نود ما  
اشتباهاتشان را یادآوری کنیم . به آنها نشان  
بغیه در صفحه ۲۰

بغیه در صفحه ۱  
و بر نفوذ وجودند ارد به کارگران کمونیست و پیشبرد  
و مبارزین کارگری و طبقه دارند تا کیت های محسی  
انقلابی را بریاد دارند . کیت هائی که باید از یک  
طرف ارتباط خود را با کیت های مشا به برقرار و  
حفظ کند و از جانب دیگر در همه وجوه و اشکال  
مبارزات جاری توده های کارگر شرکت کند ، به طری  
و تبلیغ مطالبات و شعارهای مستقل کارگری و  
سازماندهی توده ها حول این شعارها بپردازند .  
نکته سوم ، در مورد ضرورت دفاع و پشتیبانی از  
رهبران واقعی کارگری است ، که بدون تردید در  
شرایط روی آوردن رژیم به سیاست سرکوب مستقیم ،  
قبل از همه در معرض خطر قرار میگیرند ، رژیم بسته  
بهانه های کوناگون تلاش خواهد کرد تا در وهله  
اول کارگران را از رهبران خود محروم سازد ، جس  
اشتیاق و ارعاب بیشتری راه بیندازد ، تا با اثنا بر  
این جبهه پیشروان واقعی کارگری را قلع و مبع کند .



بقیه از صفحه ۳۸

پایه ۰۰۰

چنانکه بار دیگر مجبور گشته است در برابر مردم پنهان حاشه کردستان به شیوه هائی دست زند که در تابستان ۵۸ حاکم شروع اسلام خلعائی جلاد بی هیچ توبیخی آنرا آرموده بود -

آری، اقدام دستجمعی در شهر مهاباد نشان میدهد که رژیم پراز چهار سال سرکوب نظامی کردستان انقلابی، مجدداً در همان وضعیت در ماندگی و استیصال فرار گرفته است که چهار سال پیش در برابر جنبش انقلاب خلق کردستان - مردم سازد ایران!

محکوم کردن جنایت هولناک جمهوری اسلامی در شهر مهاباد و دفاع و حمایت از مبارزه عادلانه و برحق خلق کرد و طبقه هر سازمان و گروه آزادیخواه و و تبلیغ هر انسان شریف و آزاده است - امروز برابر ۱۷ خرداد ماه به دنبال مواخوان -

هاد مشترک سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) و حزب دمکرات کردستان ایران و شیخ مرادین حسینی مردم کردستان با تعطیل عمومی به جنایت رژیم در مهاباد بطور وسیع و یکپارچه اعتراض میکند - حیر جایب هولناک رژیم در شهر مهاباد و اعتراض گسترده و همگانی مردم کرد را در محکوم کردن این جنایت هر چه بیشتر پخش کنید - صدای اعتراض خود را علیه جنایات نغرب آورد رژیم در کردستان بلند کنید - با تمام توان خود از حق بدون قید و شرط ملت کرد در تعیین سرنوشت انشید فاع برجینید - به هر طریقی که میتوانید به جنبش انقلابی خلق کرد یاری رسانید

و با پشتیبانی از بیکترین بهترین جنبش سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) پیوند مبارزه انقلابی سراسری خود را با کنگر استوار کردستان انقلابی تحکیم بخشد - مردم ستمدیده کردستان!

کارگران و زحمتکشان مبارز کرد!

ما بار دیگر پشتیبانی کارگران آگاه و روزسده ایران را از مبارزات برحق شما اعلام میداریم و شهادت دردمان این ۵۹ تن را به همه سیرم کردستان و امالتی شهر مهاباد و مخصوص به خانواده این جان باستان صمیمانه تسلیت می - گوئیم - ما ایمان داریم که نه جمهوری اسلامی و نه هیچ رژیم دیگری قادر خواهد بود اراده و مبارزه خلق را که برای بدست گرفتن سرنوشت خودش حاشه است و درهم شکند - پیروزی از آن شعامت

گروهی باد خاطره نهادهای ۱۱ خرداد مهاباد! زنده باد جنبش انقلابی خلق کرد! سرنگون باد رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی! رسد به باد انقلاب! کمیته مرکزی اتحاد مبارزان کمونیست

۱۳۶۱/۳/۱۷



راید ست کارگران برسانید

پیروزی باد جنبش انقلابی خلق کرد



# بیانیه کمیته مرکزی اتحاد مبارزان کمونیست

## در باره اعدام جنایتکارانه ۵۹ تن از مردم مبارز مهاباد بدست جمهوری اسلامی

سازمانهای سیاسی پراکنده در حال جنگ است. سازمانهای سیاسی ای که به ادعای رژیم هیچ پیوندی با مردم کرد ندارند و مورد هیچگونه پشتیبانی از طرف خلق کرد نیستند، اعدام و ستجمعی اخیر در مهاباد بیانگر این واقعیت است که دروغ-پردازی در باره شروئ شدن نیروهای سیاسی خلق کرد آقدر وسواس است که جمهوری اسلامی خود دیگر هیچ مایه ای در نظر آن نمی بیند و با اعدام ۵۹ تن از مردم عیلا اعتراف میکند که در کردستان به جنگ یک ملت رفته است.

اعدام دستجمعی مردم مهاباد همچنین بیانگر این واقعیت است که چهار سال لشکر کشی و تفرقه رژیم به کردستان افلاسی، چهار باران شهرها، بیماران روستاها، پاکسازی دربار و ده بار مساطق آزاد شده تظیف نیروها، ارتش حرمه ای و یاسدان، ان مکتب و تشکیل و فعالیت سناد حمزه و ۳۰۰۰ هیچ یک نتوانست که کوچکترین حلقی در آزاده ملت کسرت در مبارزه علیه جمهوری اسلامی ایجاد کند. اعدام دستجمعی مردم مهاباد انفرار رژیم به این امر است که دره ای نتوانسته مردم کرد را به تکیه وادار و

بقیه در صفحه ۳۷

مردم ایران! کارگران و رنجبران! پدر اباخرزاد ماه جمهوری اسلامی ۵۶ تن از زندانیان سیاسی شهر مهاباد را به جوغه های اعدام سپرد.

این نخستین بار نیست که رژیم اسلامی فارغ از هرگونه بایبندی به طواغوت شدن و نهائو اساسی به گشتار و اعدامهای دستجمعی میادوت میزند. بدنیاست که این رژیم ساطک کشاورهای دستجمعی را در سراسر کشور برپا داشته است. اعدامهای دستجمعی در دو سال گذشته برای اهالی کلیه شهرهای کشور واقعه ای آشنا بوده است. مردم کردستان نیز از همان روز روی کار آمدن جمهوری اسلامی با این جبهه حیراس جمهوری اسلامی جحوی آشنا هستند. با اینجبه گشتار عام امیور در مهاباد، گذشته از اینکه برای بار دیگر ماهیست سوکوگر و ضد مردمی جمهوری اسلامی را عریان به سایش میگردد. بیانگر واقعیت دیگری از وضعیت فعلی رژیم در کردستان نیز می باشد.

رژیم اسلامی بدنیاست چنین دروغ پردازی میکند که در کردستان افلاسی گویا تنها با نیروها

# کارگران جهان متحد شوید!